

# دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک شهروندان تهرانی در

## فضای مجازی<sup>۱</sup>

«مطالعه دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در اینترنت»

طاهره آذری\*

علی اصغر کیا\*\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۵

### چکیده

در معنای کلی، دیپلماسی شهروندی به مفهومی اطلاق می‌شود که در آن شهروندان معمولی به عنوان نمایندگان غیررسمی کشور خودشان در زمینه روابط خارجی، ایفای نقش می‌کنند. در دیپلماسی شهروندی، شهروندان از حق برقراری ارتباط با شهروندان جوامع دیگر برخوردار هستند تا بتوانند به دیدگاه‌های مشترک برسند و یا تاثیرات نامطلوب ناشی از سیاست‌های

---

1. citizen diplomacy and diplomatic activities of citizens in cyber space

taherehazari@gmail.com

\* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی.

aliasgharkia@live.com

\*\* دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی.

خارجی نادرست برخی دولت‌ها را از بین ببرند. امروزه بخش اعظمی از فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی با استفاده از رسانه‌های نوین به انجام می‌رسد. رسانه‌های نوین این امکان را برای عده زیادی از شهروندان جوامع گوناگون فراهم نموده که بتوانند با یکدیگر به صورت رودررو به گفتگو و تبادل نظر بپردازند. در جهان امروز، با وجود پیشرفت‌های بزرگ علمی، شناخت و آگاهی متقابل مردم دنیا از اخلاق، افکار و رفتار یکدیگر، در رفع بحران‌های جهانی از تاثیر به سزایی برخوردار است و علت اصلی عدم تفاهم بین‌المللی نیز این است که هنوز ملل دنیا نمی‌توانند درباره زندگی جمعی یکدیگر اطلاعات لازم را کسب کنند و نسبت به هم بی‌اعتمادند. لذا برقراری ارتباط در چارچوب دیپلماسی شهروندی برای توسعه روابط انسانی، رفع اختلاف‌ها، از بین بردن بی‌اعتمادی‌ها و دشمنی‌ها و ایجاد تفاهم در جوامع گوناگون دنیا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این‌رو، هدف اصلی محقق از انجام این تحقیق، شناخت میزان فعالیت‌های شهروندان (دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی) در چارچوب دیپلماسی شهروندی است. جهت بررسی میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در این چارچوب، از روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه استفاده گردید. بر اساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها، دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی، فعالیت خود را در چارچوب دیپلماسی شهروندی، «زیاد» توصیف کرده‌اند. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده از انجام آزمون نخی دو، میان متغیرهای جنس، سن و تحصیلات با متغیر وابسته رابطه وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی شهروندی، شهروند دیپلمات، رسانه‌های

نوین، جامعه شبکه‌ای، حوزه عمومی.

## طرح مسئله

در دنیای به هم پیوسته امروز، اقتصاد، سیاست و امنیت، بیش از گذشته میان ملت‌ها درهم تنیده شده است. انگیزه برقراری ارتباط با مردم آن‌سوی مرزها، به طور فزاینده‌ای در درون شهروندان قرار دارد که از طریق کانال‌های ارتباطی دیجیتال و زنده با دنیا در ارتباط هستند. دیپلماسی شهروندی مفهومی است که دربرگیرنده دو بخش است: بخش شهروندی، که غیررسمی و مستقل از دولت است و در تلاشی فردی در جهت منافع خود فعالیت می‌کند و بخش دیپلماسی، که چارچوبی برای همکاری میان کشورها را شامل می‌شود.

در دائره‌المعارف ویکی‌پدیا در تعریف مفهوم دیپلماسی شهروندی آمده است: دیپلماسی شهروندی (دیپلماسی مردم)، مفهومی سیاسی از شهروندانی معمولی است که به عنوان نماینده یک کشور، چه به صورت ارادی و چه به صورت غیرارادی، ایفای نقش می‌کنند. دیپلماسی شهروندی زمانی به اجرا درمی‌آید که کانال‌های رسمی، قابل اعتماد و یا مطلوب شناخته نشوند؛ به طور مثال، هنگامی که دو کشور، دولت‌های یکدیگر را به رسمیت نمی‌شناسند، دیپلماسی شهروندی می‌تواند ابزار مطلوبی برای سیاستمدار باشد (برگرفته از سایت ویکی‌پدیا، ۲۰۱۲). دیپلماسی شهروندی، نوعی دیپلماسی است که در آن افراد به عنوان نماینده غیررسمی کشور خودشان ایفای نقش می‌کنند. اغلب، خاطره ماندگار دیدارهای چهره به چهره میان فردی با مردمی از کشورهای دیگر، باعث افزایش درک دوجانبه می‌گردد و مردمی که سوابق متفاوتی دارند، می‌توانند ارزش‌ها و منافع مشترکی پیدا کنند و حتی احساسات منفی نسبت به یکدیگر را نیز کاهش دهند. دیپلماسی شهروندی می‌تواند کاملاً مستقل از فعالیت‌های دیپلماسی رسمی باشد (داوسون، ۲۰۱۱).<sup>۱</sup>

## دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک ... ۲۰۱

دیپلماسی شهروندی، فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به ویژه، ملت‌های درگیر اختلاف و به منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است. از طریق دیپلماسی شهروندی می‌توان علاوه بر ایجاد تصویری مطلوب از یک کشور، جهت‌گیری‌های سیاسی سایر کشورها نسبت به آن کشور را تحت تاثیر قرار داد. از سویی با توجه به رشد تکنولوژی-های ارتباطی و ظهور رسانه‌های نوین، امروزه بخش اعظمی از فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی با استفاده از این رسانه‌ها به انجام می‌رسد. رسانه‌های نوین پتانسیل-های فراوانی را برای برقراری انواع ارتباط میان شهروندان کشورهای گوناگون دارا هستند که این مسئله، اجرا و پیشبرد دیپلماسی شهروندی را در اقصی نقاط دنیا امکان‌پذیر می‌سازد. توسعه استفاده از شبکه اینترنت، در دوره کوتاه فعالیت آن بسیار چشمگیر بوده است. بر مبنای آخرین آمار ارائه شده در سایت «اینترنت ورد استیتز»<sup>۱</sup> در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲، مشخص گردید دو میلیارد و ۴۰۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ از اینترنت استفاده می‌کنند. این رقم معادل ۳۴/۳ درصد از مردم جهان است که البته این مقدار در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله، انگلیس، آلمان، فرانسه و همچنین کره و ژاپن به بالای ۷۰ درصد می‌رسد. ایران نیز در فهرست بیست کشور دارای بیشترین تعداد کاربران اینترنت در جهان است که از این حیث، در رتبه ۱۳ جدول قرار دارد. بر اساس آمار ارائه شده در این جدول، کاربران اینترنتی، ۵۳ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند.

دسترسی به تکنولوژی‌های نوین ارتباطی از جمله اینترنت، باعث گردیده که تبادل اخبار و اطلاعات و تعامل مستقیم میان مردم کشورهای گوناگون با سرعتی شگفت‌انگیز صورت گیرد؛ بدون آنکه اطلاعات مبادله شده توسط سازمان‌های خبری و مقامات دولتی مورد جرح و تعدیل قرار گیرد. اولین تصاویر منتشر شده از واقعه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، سونامی اقیانوس هند در سال ۲۰۰۴، شورش مخالفان دولت چین در لهاسا و تبت در سال ۲۰۰۸، بمب‌گذاری‌های انتحاری در افغانستان و عراق و ناآرامی‌های خاورمیانه

---

1. internetworldstats.com

در سال ۲۰۱۱، درگیری‌های خونین سوریه در سال ۲۰۱۲، همگی حاصل کار شهروندانی بوده است که از طریق یک تلفن همراه یا یک دوربین دیجیتال توانسته‌اند لحظات تکرارناپذیری در تاریخ بشر را به ثبت برسانند. شهروندان دیپلمات، کسانی هستند که خود را برای برقراری ارتباط دوجانبه با شهروندان سایر کشورها به منظور ایجاد حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک، مسئول می‌دانند. آنها با استفاده از رسانه‌های نوین و یا سایر امکانات و وسایل، به ارائه تصویری مطلوب و مساعد از کشورشان می‌پردازند؛ در عین حال که به هویت ملی، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، فرهنگ و تاریخ کشورهای دیگر نیز احترام می‌گذارند.

شهروندان دیپلمات می‌توانند با استفاده از اینترنت و امکانات و ابزارهایی چون: شبکه‌های اجتماعی، تالارهای گفتگو، سایتها و وبلاگهای شخصی، تلفن همراه و دوربین‌های دیجیتال، اطلاعات خود را با شهروندان کشورهای دیگر به اشتراک بگذارند. گاهی اطلاعات ارائه شده علاوه بر اخبار مربوط به حوادث و رویدادها، موضوعات گوناگونی از جمله تاریخ، فرهنگ، زبان، هویت، آداب و رسوم، ارزش‌ها، نگرش‌ها و اشتراکات مذهبی و قومی را نیز دربرمی‌گیرد. آنان از طریق روابط غیررسمی دیپلماتیک و خارج از قوانین و مقررات تعریف شده دولتی، به ایجاد رابطه با مردم کشورهای دیگر می‌پردازند. شهروندان دیپلمات با انتخاب دیالوگی که به طور دوجانبه معنادار و سودمند است، از طریق رسانه‌های نوین با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و حسن نیت و احترام خود را نسبت به فرهنگ، قوانین و روش زندگی شهروندان سایر کشورها نشان می‌دهند. رفع سوءتفاهمات، همدلی، درک و شناخت بهتر یکدیگر، احترام متقابل، یادگیری و کسب اطلاعات راجع به طرز فکر و دیدگاه‌های دیگران در جهان امروز، از طریق دیپلماسی شهروندی میسر شده که می‌توان از آن، جهت ایجاد تغییرات مثبت در جامعه جهانی و حرکت به سوی صلح جهانی استفاده نمود.

دیپلماسی شهروندی به طور وسیعی توسط سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، نظیر کلیساها، سازمان‌های حقوق بشر و طرفدار صلح، سازمان‌های توسعه و مردم

## دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک ... ۲۰۳

معمولی به اجرا درمی‌آید تا به پیش‌برد صلح کمک کنند؛ به ویژه زمانی که دولت‌ها از انجام چنین کاری بازمانده‌اند. چنین فعالیت‌هایی در اغلب تعارضات بین‌المللی و نژادی (قومی) در سراسر دنیا یافت می‌شود: هندی‌ها و پاکستانی‌ها، از طریق اینترنت و تشکیل اجتماعات مجازی و گفتگو راجع به موارد مورد اختلاف هر دو ملت، سعی در ایجاد فضای مساعد برای گفتگوهای رسمی میان دو دولت و برقراری صلح میان دو کشور دارند. ایرانی‌ها در صفحات فیس‌بوک، تصاویری واقعی از فرهنگ و تمدن ایرانی را به معرض نمایش می‌گذارند<sup>۱</sup> و صلح‌طلبی را در مقابل برخی سیاستهای تنش‌زا، تبلیغ می‌کنند. در قبرس، کشمیر، سریلانکا، رواندا، زیمبابوه و تبت، سازمان‌های گوناگون از جمله صلیب سرخ جهانی، فرقه‌های دینی حتی «کویکرها»<sup>۲</sup> و «منیت‌ها»<sup>۳</sup> و افراد کاملاً مستقل، همگی در تلاش برای ایجاد تفاهم بین‌المللی فعالیت دارند.<sup>۴</sup> هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی و همچنین بررسی دیدگاه آنان در خصوص میزان تاثیرگذاری این نوع دیپلماسی بر سیاست خارجی است. محققین همچنین درصدد هستند تا تاثیر متغیرهای جنس، سن و تحصیلات را بر متغیر وابسته «میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی» بررسی نمایند.

## بیان ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش

- 
1. Be Familiar with Real Iran/face book
  2. Quaker
  3. Mennonite
  4. www.crinfo.org

در عصر اطلاعات، شهروندانی از کشورهای گوناگون راه‌های زیادی برای برقراری ارتباط با یکدیگر یافته‌اند. تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، این امکان را برای عده زیادی از شهروندان جوامع گوناگون فراهم نموده است که بتوانند با یکدیگر به صورت رودررو به گفتگو و تبادل نظر بپردازند. کمک ابزارها و وسایل ارتباطی به ایجاد و توسعه تفاهم میان ملل، تحکیم و تأمین آرامش و صلح جهانی و پیشرفت و ترقی تمدن انسانی، از ویژگی‌های دنیای کنونی است.

یکی از علل مهم بحران‌های سیاسی بین‌المللی، نبود یا کمبود مراد و ارتباط بین مردم جهان است. در جهان امروز، با وجود تمام پیشرفت‌های بزرگ علمی انسانها، شناخت و اطلاع متقابل مردم دنیا از اخلاق، افکار و رفتار یکدیگر، در رفع بحرانهای جهانی از تاثیر به سزایی برخوردار است و علت اصلی عدم تفاهم بین‌المللی نیز این است که هنوز ملل دنیا نمی‌توانند درباره زندگی جمعی یکدیگر اطلاعات لازم را کسب کنند و اغلب نسبت به هم بی‌اعتمادند. از این‌رو برقراری ارتباط در چارچوب دیپلماسی شهروندی برای توسعه روابط انسانی، رفع اختلاف‌ها، از بین بردن بی‌اعتمادی‌ها و دشمنی‌ها و ایجاد تفاهم در جوامع گوناگون دنیا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### ضرورت و اهمیت نظری موضوع

اهمیت و ضرورت شناخت مفهوم دیپلماسی شهروندی به عنوان یکی از ابزارهای جدید سیاست خارجی مانند هر فعالیت دیپلماسی دیگری که در جهت تأمین اهداف و منافع ملی مورد استفاده واقع می‌شود، نمایان شده است. دیپلماسی یکی از ابزارهای سیاست خارجی جهت تأمین اهداف و منافع ملی است که انواع گوناگونی دارد. هر کدام از انواع دیپلماسی، به شیوه‌های متفاوتی به اجرا درآمده و بخشی از اهداف سیاست خارجی را تأمین می‌کنند. تحقق بعضی از اهداف، فقط در گرو اجرای نوع خاصی از هر کدام از

انواع دیپلماسی است؛ پس شناخت این ابزارها و نیز معرفی ابزارهای جدیدی که بتوان از آنها در عرصه سیاست خارجی استفاده نمود، ضرورتی است همیشگی.

مفاهیم و واژگان جدید در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به طور روزافزون به کار گرفته شده‌اند. مفاهیم و واژگان جدید همچون داده‌های تهی هستند که می‌توانند بر اساس کاربردهای آنها در روابط بین‌الملل معانی گوناگونی به خود بگیرند. مهم این است که با عرضه مفاهیم جدید، معانی آنها نیز در فضای فکری جهانی مقبول واقع شود. از آنجا که انواع دیپلماسی از جمله مفاهیمی هستند که پس از جنگ جهانی دوم، با کاربرد خاص خود وارد عرصه روابط بین‌الملل شده و از سویی اجرای آنها به مدد به کارگیری وسایل ارتباطی امکان‌پذیر است، پس باید در تعریف این مفاهیم از رویکردی تلفیقی استفاده نمود تا چه در عرصه روابط بین‌الملل و چه در عرصه ارتباطات، معنای قابل قبولی برای مخاطبان داشته باشد. مفهوم دیپلماسی شهروندی نیز که در حال حاضر در ادبیات حوزه روابط بین‌الملل به شکل‌های گوناگونی توضیح داده می‌شود، از جمله مفاهیمی است که نیاز به تعریف دقیق، آنهم با تاکید بر نقش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی دارد که در خلال این تحقیق، امید است این ضرورت تامین شود.

از سویی، با توجه به رشد رسانه‌های نوین، فعالیت شهروندان در عرصه سیاست خارجی افزایش قابل توجهی یافته است و مسئولان سیاست خارجی نیز به ضرورت استفاده از پتانسیل آنان در سیاست خارجی آگاهی بیشتری یافته‌اند؛ پس باید برای آندسته از فعالیت‌های شهروندان که در این حوزه و با هدفی مشخص انجام می‌گیرد، واژه مناسبی به کار گرفته و به طور دقیق تعریف شود؛ به طوری که تمام فعالیت‌های انجام یافته در این چارچوب را دربر گیرد. بدیهی است این مفهوم، همپوشانی‌های کارکردی با سایر واژه‌ها و مفاهیم رایج در این عرصه را دارد؛ اما این مسئله، مانعی برای به کارگیری مستقل این مفهوم و شناسایی دقیق مرزهای آن نیست. بر همین اساس در این تحقیق تلاش می‌گردد تا منابع موجود در ارتباط با موضوع مورد بررسی قرار گیرد و



مطالب مرتبط، گردآوری شود و از این طریق این مفهوم و ابعاد آن به طور کامل مورد شناخت قرار گیرد.

### ضرورت و اهمیت عملی موضوع

معمدنژاد در کتاب خود با نام «ارتباطات بین‌المللی»، بر ضرورت ایجاد یک تصویر بین‌المللی مثبت و مطلوب در عرصه روابط بین‌الملل تاکید نموده و آن را تضمینی برای دسترسی به اهداف سیاست خارجی دانسته است (معمدنژاد، ۱۳۸۹: ۴۱۰). بر همین اساس، زمانی که دیپلماسی رسمی دچار بن‌بست شده باشد و امکان برقراری روابط رسمی دیپلماتیک وجود نداشته باشد، شهروندان دیپلمات می‌توانند فارغ از هرگونه محدودیتی از طریق روابط غیررسمی دیپلماتیک به معرفی کشور خود و ارائه چهره‌ای مطلوب از آن بپردازند. نظرسنجی‌های متعدد و اسناد و مدارک بسیاری، حاکی از رشد و افزایش نظرات و دیدگاه‌های ضداسلامی و ضدایرانی در سراسر جهان است. از این‌رو، توجه به دیپلماسی شهروندی و نقشی که شهروندان در ایجاد تغییرات مثبت میان ملت‌ها ایفا می‌کنند، اهمیت می‌یابد. بنابراین نائل شدن به چنین هدفی اولاً، مستلزم افزایش شناخت افراد نسبت به فرهنگ و هویت ملی، ارزش‌ها و منافع کشور خود است و ثانیاً، شهروندان دیپلمات باید نسبت به نحوه برقراری ارتباط و ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز با شهروندان سایر کشورها، کاملاً آگاهی و وقوف داشته باشند. در برخی کشورها که تعامل با جهان و بین‌المللی شدن را ضرورت بقا و تامین منافع خود تعریف می‌کنند، به منظور تقویت توانایی‌های مربوط به برقراری ارتباط با دیگران، برنامه‌هایی برای آشنایی شهروندان در سطوح و طبقات گوناگون، به منظور آموزش زبان‌های خارجی و نحوه برخورد با مردم دیگر کشورها به اجرا درمی‌آورند تا ناآگاهی‌ها به تلاش‌های‌شان در جهت برقراری ارتباط با جهان صدمه نزنند. در این کشورها که برخی از آنها از راه توریسم درآمدزایی می‌کنند، اصول اولیه برخورد با بازدیدکنندگان از کشورشان آموزش

## دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک ... ۲۰۷

داده می‌شود. در ایران نیز می‌توان با توجه به توانایی‌های کشور، برنامه‌های گوناگونی در نظر گرفت که شامل آموزش زبان، نحوه برخورد و آداب معاشرت صحیح در سطح بین‌المللی باشد. و ثالثاً، این که باید نحوه استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی جهت برقراری ارتباط را نیز بخوبی بدانند. توجه به زیرساخت‌های ارتباطی و تجهیز شهروندان به تکنولوژی‌های اطلاعاتی در محیط بین‌الملل، همچنین معرفی شبکه‌ها و سایت‌هایی که در حوزه دیپلماسی شهروندی فعالند و آموزش نحوه مشارکت و فعالیت در این مراکز و شبکه‌ها به شهروندان از الزامات حرکت به سمت سیاست‌های غیرمتمرکز و شهروند محور است. با توجه به این دلایل، شناخت مفهوم دیپلماسی شهروندی، نقش و اهمیت آن در سیاست خارجی و استفاده از ابزارهای ارتباطی، جهت برقراری روابط غیررسمی دیپلماتیک میان شهروندان، بیش از پیش اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. این تحقیق و تحقیقات دیگری در این حوزه می‌توانند اطلاعات لازم را برای ورود افراد مستعد جامعه به صحنه دیپلماسی، از طریق استفاده از رسانه‌های نوین ارائه دهند و یا دست کم از مقاومت‌های مبتنی بر ناآگاهی در این حوزه بکاهند و همچنین مشارکت سازمان‌های خصوصی فعال در این زمینه را جلب و عدم همکاری‌های آنان را کاهش دهند. در واقع بخش خصوصی می‌تواند دامنه وسیع‌تری از فعالیت‌های یک کشور در قالب دیپلماسی شهروندی را بر عهده داشته باشد و ضمناً می‌تواند با فعالیت‌های خود تاثیر بیشتری بر مخاطبان داخلی بگذارد. وزارت امور خارجه نیز می‌تواند بهره قابل توجهی از این تحقیق و تحقیقات مشابه دیگر در این زمینه ببرد.

با خاتمه دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و آغاز ریاست جمهوری روحانی و انتخاب محمدجواد ظریف به عنوان وزیر امور خارجه در نهم شهریور ۱۳۹۲، امیدهایی برای ایجاد تغییرات قابل توجه در این وزارتخانه به وجود آمد. انجام این تغییرات به ویژه با توجه به بن‌بست‌هایی که وزارت امور خارجه در خصوص بسیاری از مسائل بین‌المللی با آنها مواجه شده بود، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود. محمدجواد ظریف یکی از سیاست‌مداران باسابقه حوزه مسائل خارجی است که سال‌ها

به عنوان سفیر ایران در سازمان ملل متحد و همچنین معاون وزیر امور خارجه انجام وظیفه نموده و با ادبیات دیپلماتیک بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای غربی آشنایی لازم را دارد. ایشان همچنین بر ضرورت استفاده از ابزارهای جدید در برقراری ارتباط با دیگر شهروندان واقف بوده به طوری که او، یکی از اولین سیاستمداران ایرانی است که دارای صفحه‌ای در فیس‌بوک و همچنین توئیتر می‌باشد. پس با وجود حضور سیاستمداران ایرانی که به ضرورت استفاده از چنین ابزارهایی برای برقراری ارتباط با شهروندان دیگر کشورها در سطح بین‌المللی واقف هستند و نیز به دنبال تأمین منافع و اهداف ملی، نه با استفاده از خشونت و جنگ‌افروزی، بلکه با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز دیپلماتیک هستند، اهمیت شناخت این مفهوم و ابعاد آن، ابزارهای مورد استفاده و نیز روش‌های به کارگیری نتایج آن در سیاست خارجی، به طور مضاعفی افزایش می‌یابد.

### سوالات پژوهش

- ۱ - میزان انجام فعالیتهای دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی در چه حد است؟
- ۲ - آیا متغیرهای جنس، سن و تحصیلات با فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی رابطه دارد؟
- ۳ - از نظر دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی، دیپلماسی شهروندی تا چه حد در پیشبرد سیاست خارجی نقش دارد؟
- ۴ - از نظر دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی، محدودیت‌های فعالیت در چارچوب دیپلماسی شهروندی کدامند؟
- ۵ - از نظر دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی، رسانه‌های نوین تا چه حد در دیپلماسی شهروندی نقش دارند؟

## مبانی نظری پژوهش

### دیپلماسی شهروندی چیست؟

«دایانا چیاگاس»<sup>۱</sup>، مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی نوع دوم، دیپلماسی شهروندی» در سال ۲۰۰۳ منتشر نمود که در آن دیپلماسی شهروندی را این گونه تعریف کرده است: دیپلماسی شهروندی، به ارتباط غیررسمی بین مردم کشورهای گوناگون اطلاق می‌شود که با روابط رسمی میان نمایندگان دولت‌ها در تقابل است. این ارتباط می‌تواند بطور مستقیم و در طی فعالیت‌های گوناگون و یا در شرایط فراهم آمده توسط گروه‌های غیررسمی و غیردولتی، نظیر ان.جی.او.<sup>۲</sup>ها، گروه‌های صلح‌طلب، محققان و یا هر سازمان واسطه غیررسمی دیگری انجام پذیرد (چیاگاس، ۲۰۰۳).

ملیسین معتقد است که دیپلماسی شهروندی یکی از حلقه‌های کوچک در زنجیره پیرامون سیاست خارجی است که از یک سو با دیپلماسی عمومی و از سوی دیگر با دیپلماسی رسانه‌ای در ارتباط است. بر این اساس، دولت می‌تواند از اتباع و شهروندان فعال خود در خارج از کشور برای پیش‌برد منافع ملی و دفاع از امنیت ملی خود استفاده کند. به عبارت دیگر، دیپلماسی شهروندی به پیوند دولت با شهروندان فعال خارج از کشور اشاره دارد (ملیسین، ۲۰۰۵: ۸). بنابراین، هر چه اتباع یک کشور در خارج فعال‌تر بوده و تمایل آنها برای همکاری با کشور مادری‌شان بیشتر باشد، آن کشور از دیپلماسی شهروندی فعال‌تری برخوردار است. دیپلماسی شهروندی، فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به ویژه، ملت‌های درگیر اختلاف و به منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است تا به این وسیله، بتوان علاوه بر ایجاد تصویری مطلوب از کشور متبوع خود در

---

1. Diana Chiagas  
2. Track two/Citizen Diplomacy  
3. National Organization

افکار عمومی، در نهایت بتوان بر جهت‌گیری‌های سیاسی سایر کشورها نسبت به یکدیگر تاثیر گذاشت.

«هایدی برگس»<sup>۱</sup>، معتقد است ارزیابی نقش دیپلماسی شهروندی به دلیل تاثیرگذاری آن بر عوامل غیرعینی نظیر نگرش‌ها و روابط، کار مشکلی است. وی می‌نویسد: مدیریت تعارضات رسمی، گاهی اوقات غیرقابل انجام و اجراست؛ زیرا مباحثه‌کنندگان کاملاً با هم بیگانه هستند، رهبران تمایلی به تغییر شرایط ندارند و مباحثه ممکن است با منازعات بیشتری درهم تنیده شود. در چنین شرایطی، اگر میانجی‌گران غیررسمی، در یک زمینه غیررسمی با یکدیگر ملاقات (دیدار) داشته باشند، می‌تواند سودمند واقع گردد؛ چنین گفتگوهایی گاهی می‌تواند منجر به توافقات جدیدی شود و رویکردهای ابتکاری تولید کند که در فرآیندهای رسمی مذاکرات، مورد اقتباس قرار گیرد. میانجی‌گران غیررسمی، همچنین می‌توانند کانال‌های ارتباطی میان گروه‌ها را فراهم کنند. مذاکرات دیپلماسی شهروندی، مردمی را فراهم می‌آورد که در حالت عادی ممکن است هیچگاه همدیگر را ملاقات نکنند. علاوه بر این، مباحثات غیررسمی نوع جدیدی از ارتباط را ممکن می‌سازد. در میانجی‌گری غیررسمی، مشارکت‌کنندگان روایت‌های خود را تعریف می‌کنند و در یک روش سازمان‌یافته، منازعه را مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها گفتار اهانت‌آمیز را می‌شناسند و می‌توانند گفتاری تشنج‌زدا را جایگزین آن کنند تا محیطی آرام و امن ایجاد نمایند. فرآیندهای غیررسمی، ایده‌های جدیدی خلق می‌کنند که در مذاکرات رسمی قابل تولید نیستند. محیط آرام و امن می‌تواند به مشارکت‌کنندگان کمک کند که روابط عمیق‌تری برقرار سازند که در آن حتی دشمنان، رفتار مسالمت‌آمیزتری داشته باشند؛ گرچه اعتماد نویافته دوام چندانی ندارد؛ اما اگر چنانچه دیدارها به مقدار کافی، میان تعداد قابل توجهی از مردم، در طول دوره زمانی قابل توجهی صورت پذیرد، تصویر اجتماعی، انتظارات و منافع تغییر خواهد کرد و

سرانجام، مشارکت‌کنندگان در یک مواجهه طولانی‌تر، دیدگاه خود را تغییر خواهند داد، حتی اگر تعدادی از مباحث غیرقابل گفتگو باقی بماند؛ اما تمایل به گفتگو راجع به مباحث دیگر از میان نخواهد رفت (برگس، ۲۰۱۳).<sup>۱</sup>

فرآیندهای غیررسمی همواره در معرض آسیب‌های محیط بیرونی هستند. مشارکت‌کنندگان در دیپلماسی شهروندی، در مقابل سیاست، رسانه‌ها و افکار عمومی باید پاسخگو باشند. گاهی اوقات شهروندان مورد آزار و اذیت و یا مورد تهدید واقع می‌شوند. چنین حملاتی، مشارکت‌کنندگان را به ستوه آورده و از ادامه کار بازمی‌دارد. علاوه بر این، آنها باید بین گروه‌های درگیر، موازنه ایجاد کنند در عین حال که موقعیت خود را نیز حفظ می‌کنند. این در حالی است که اغلب گروه‌ها از نظر قدرت با یکدیگر در شرایط یکسانی نیستند و همین مسئله بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان تاثیر می‌گذارد. گروه‌های ضعیف‌تر گاهی اوقات این فرآیندها را، نادیده گرفتن نابرابری‌ها تلقی می‌کنند، و سرانجام این که میانجی‌گران غیررسمی به منابع گسترده و زمان قابل توجه نیاز دارند که همیشه در دسترس نیست (برگس، ۲۰۱۳).<sup>۲</sup>

«برنت ایستوود»<sup>۳</sup>، استاد دانشگاه «جورج میسون»<sup>۴</sup>، معتقد است، هنوز معلوم نیست تلاش‌های دیپلماسی شهروندی تا چه حد در بهبود تصویر یک کشور در خارج از مرزهای آن موثر بوده است، اما قطعاً می‌توان گفت دیپلماسی شهروندی، گام برداشتن در مسیر درست است. انتقال رفتارها و نگرش‌های یک ملت در برقراری ارتباط با شهروندان سایر کشورها، سهم حیاتی از یک استراتژی رو به توسعه روابط بین‌المللی می‌باشد (ایستوود، ۲۰۰۷).<sup>۵</sup>

---

1. www.crinfo.org

2. www.crinfo.org

3. Brent Eastwood

4. George Mason University, school of public policy

5. www.aei.org

## شهروند دیپلمات کیست؟

در تعریف عبارت شهروند دیپلمات آمده است: افرادی که در دیپلماسی شهروندی، در برنامه‌های مبادله بین‌المللی به عنوان میزبان یا شرکت‌کننده حضور دارند، به عنوان شهروند دیپلمات شناخته می‌شوند. بعلاوه، شهروندانی که با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کنند، از جمله: بازرگانان، مقامات دولتی، روسای سازمان‌ها، ورزشکاران، هنرمندان و دانشجویان، باید خود را یک شهروند دیپلمات بدانند؛ چرا که همانند شرکت‌کنندگان در برنامه‌های مبادله بین‌المللی، رفتارها و اقدامات‌شان بر دیدگاه همکاران خارجی و تمایل آنها به همکاری با کشور متبوع‌شان تاثیر خواهد گذاشت. (برگرفته از سایت دیپلماسی شهروندی روچستر)<sup>۱</sup>

در دیپلماسی شهروندی، تلاش شهروندان برای ایجاد حسن تفاهم و درک متقابل و همچنین داشتن آگاهی‌های سیاسی، نقش اساسی در پیش‌برد اهداف دیپلماسی شهروندی ایفا می‌کند. اما در این خصوص، شهروندان زمانی می‌توانند موثر واقع شوند که شناخت کامل و دقیقی نسبت به روش‌های برقراری ارتباط موثر با دیگران و همچنین نسبت به کشور خودشان و دنیای پیرامونشان داشته باشند. «مایا بابلا»<sup>۲</sup> معتقد است از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش شهروندان به ویژه آموزش فرهنگ‌های ملی و خارجی، دولت‌ها می‌توانند شهروندان دیپلمات موفق‌تری پرورش دهند. در ایالات متحده آمریکا، فعالیت‌های دیپلماسی نوع دوم که برای دفع تعارضات و تقویت گفتگوهای صلح به کار می‌رود، بر مشارکت شهروندان دیپلمات تکیه دارد؛ اما این شهروندان زمانی می‌توانند موثر واقع شوند که شناخت کامل و دقیقی از تاریخ و منافع کشورشان و همچنین دنیای پیرامونشان داشته باشند. طبعاً شهروندان آگاه می‌توانند سفیران بهتری باشند و کمک بیشتری به دموکراسی کنند (بابلا، ۲۰۱۱).<sup>۳</sup>

- 
1. [www.rochestercitizendiplomacy.org](http://www.rochestercitizendiplomacy.org)
  2. Maya Babla
  3. [www.indiapublicdiplomacy.com](http://www.indiapublicdiplomacy.com)

شهروندان با اطلاع، باید برای چالش‌های جهانی گوناگونی از جمله محیط‌های کاری چندفرهنگی و همگون‌سازی فرهنگی آمادگی لازم را داشته باشند؛ شهروندانی که تاریخ خود را بهتر درک می‌کنند، بهتر می‌توانند در تصمیم‌گیریهای سیاسی، مشارکت کنند و مشارکت مدنی تضمین می‌کند که تصویر خارجی یک ملت، انعکاس‌دهنده باورهای آن باشد (همان، ۲۰۱۱). در وب‌سایت مرکز دیپلماسی شهروندی وزارت امور خارجه آمریکا، در خصوص وظیفه و نقش افراد در اجرای دیپلماسی شهروندی آمده است: افراد «حق» دارند و حتی «مسئولیت» دارند که به شکل‌گیری روابط خارجی ایالات متحده کمک کنند. شهروندان دیپلمات می‌توانند دانشجویان، اساتید، ورزشکاران، هنرمندان، بازرگانان، فعالان حقوق بشر و محیط‌زیست باشند. آنها برای برقراری گفتگویی موثر و سودمند با سایر مردم جهان، احساس مسئولیت می‌کنند (برگرفته از سایت مرکز دیپلماسی شهروندی، ۲۰۱۳). بنابراین، شهروند دیپلمات به فردی اطلاق می‌گردد که خود را برای برقراری ارتباط دوجانبه با شهروندان سایر کشورها به منظور ایجاد حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک، مسئول می‌داند. وی با استفاده از رسانه‌های نوین و یا سایر امکانات و وسایل، به ارائه تصویری مطلوب و مساعد از کشورش می‌پردازد؛ در عین حال که به هویت ملی، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، فرهنگ و تاریخ کشورهای دیگر نیز احترام می‌گذارد. هنرمندان، ورزشکاران، بازرگانان، فعالان حقوق بشر و محیط‌زیست و تک‌تک افراد جامعه، می‌توانند یک شهروند دیپلمات باشند.

#### یک شهروند دیپلمات باید:

با سعه صدر و با ذهنی باز به دیگران گوش فرا دهد.  
تاریخ، فرهنگ و روش‌های گوناگون زندگی و تفکر دیگران را یاد بگیرد.  
به دیدگاه‌ها و نظرات دیگران احترام بگذارد.  
کشورها و مکان‌های گوناگون دنیا را با دقت و گشودگی، مورد کاوش و بررسی قرار دهد.



برای درک مردم سراسر دنیا و سروکار داشتن با آنان، فعالانه وارد عمل شود. مشتاقانه تمایل داشته باشد در جامعه جهانی تغییرات مثبت ایجاد کند. شهروندان دیپلمات، اغلب مردمانی عادی هستند که به ویژه در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، و فعالیت‌های بشردوستانه، مشارکت نموده و برنامه‌های گوناگونی را به انجام می‌رسانند (همان، ۲۰۱۳).

## مروری کوتاه بر نظریه‌ها و دیدگاه‌ها

### حوزه عمومی

هابرماس در تبیین و توضیح حوزه عمومی می‌گوید: منظور من از حوزه عمومی قبل از هر چیز عرصه یا قلمرویی از حیات اجتماعی ماست که در آن بتوان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد. زمانی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد و بی‌قید و بند، یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ و نشر افکارشان با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت یک پیکره عمومی عمل می‌کنند. تعبیر افکار عمومی به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به طور غیررسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می‌کند (نوذری، ۱۳۸۱: ۴۶۶).

هابرماس از حوزه یا فضایی اجتماعی یاد می‌کند که میان دولت و جامعه مدنی قرار می‌گیرد و کارکرد فعال اجتماعی‌اش وابسته است به تمایز قطعی و شکاف میان آن دو. این حوزه مجموعه‌ای است از کنش‌ها و نهادهای فرهنگی که البته دارای نقش سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی هستند. این کارکردها جنبه «همگانیت» دارند که در بهترین حالت از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی، مستقل و مصون هستند. حوزه عمومی، فضای اظهارنظر، مکالمه، بحث و چاره‌جویی در مسائل همگانی است. هر کس بالقوه حق و قدرت شرکت در این فضا را دارد و باز به گونه‌ای نظری و آرمانی، کسی را امتیازی

نسبت به دیگران در این فضا نیست (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). به طور کلی، قلمرو و حوزه عمومی «عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گردهم می‌آیند و می‌توان آن را امکانی در زندگی جمعی انسان‌ها دانست که با تحقق آن، افراد جامعه می‌توانند از طریق یکدیگر به سخن آیند و با مفاهمه به امر عمومی توجه کنند و آن را مورد بحث و گفتگو قرار دهند. در حوزه عمومی، افراد در وضعیتی آزاد، دور از تحمیل‌ها و اجبارها، امر عمومی را مورد بحث و نظریات یکدیگر را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و بدین وسیله امکان رسیدن به یک توافق جمعی و واقعی را به حداکثر می‌رسانند (پدرام، ۱۳۸۸: ۱۷).

### ویژگی‌های حوزه عمومی

- ویژگی‌هایی کلی که هابرماس برای حوزه عمومی در نظر دارد، از این قرار است:
۱. حوزه عمومی بستر شکل‌گیری «افکار عمومی» است. این حوزه محل بحث و تبادل نظر افراد پیرامون مسائل و علائق عمومی است و شرایط مناسبی برای زایش افکار عمومی به حساب می‌آید.
  ۲. در این حوزه، شهروندان بر سر منافع عمومی به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. به دیگر سخن، در این حوزه برخلاف روابط و مقاصد موجود در مؤسسات تجاری و گروه‌های شغلی که محور آنها منافع مادی و خصوصی است؛ هدف، تامین منافع عموم شرکت‌کنندگان و خیر جمعی است. دنبال کردن منافع عمومی توسط مشارکت‌کنندگان در حوزه عمومی، جامعه مدنی را از ملاحظات سیاسی دور می‌دارد و اقتدار دولتی را به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها محدود می‌کند که نظارت همگانی بر آن وجود دارد.
  ۳. این حوزه، میانجی گروه‌های هم‌سود و قدرت عمومی است.
  ۴. اصل مشارکت و نظارت دموکراتیک یکی از پایه‌های اساسی در این حوزه است.

۵. حق ورود در این حوزه برای همه شهروندان تضمین شده است. تفاوت‌های اجتماعی و امتیازات خاص به‌ویژه امتیازات اقتصادی هیچ تاثیری در جایگاه و موقعیت افراد در این حوزه ندارد.

۶. افراد شرکت‌کننده از جزم اندیشی و استفاده از ارزش‌ها و مبانی مقدس برای پیش بردن استقلال فارغ هستند. در این حوزه، اختلافات عقیدتی با احتجاجات و برهان‌های عقلانی و نه براساس رسوم و جزمیت منفی بر طرف می‌شود.

بر این حوزه «خرد جمعی» حاکم است؛ یعنی مهم، توافق عام و اشتراک عقیده است که از طریق استدلال و گفت‌وگو عمومی به دست می‌آید. در حوزه عمومی صرفاً یگانگی و عقاید همگون حاکم نیست. گفت‌وگو و ارتباط صرفاً در جهت ایجاد توافق به پیش نمی‌رود بلکه به لحاظ فرهنگی و فکری ابعاد متعددی مطرح می‌شود. افراد و گروه‌های گوناگون که دارای آرمان‌ها و طرز تلقی‌های متفاوت هستند در مقابل هم قرار می‌گیرند، اختلافات خود را عیان می‌سازند و در نهایت در جهت دستیابی به راه‌حل‌های مشترک برای مسائل سعی می‌کنند. در واقع فضای حوزه عمومی به روی عقاید متفاوت باز است. در اینجا ما شاهد وحدت در عین کثرت هستیم: افراد کثیر بر اصول گفت‌وگو، وحدت عقیده دارند (همان: ۱۹).

### نهادهای حوزه عمومی

هابرماس ریشه‌های تاریخی و مکانی حوزه عمومی را درون سالن‌ها و مجامع عمومی بحث‌های آزاد و علنی قرن هجدهم عنوان می‌کند که عبارتند از: سالن‌ها در فرانسه، محافل ادبی و آموزشی در آلمان و قهوه‌خانه‌ها در انگلستان.

محافل بحث (در آلمان)، سالن‌ها (در فرانسه) و قهوه‌خانه‌ها (در انگلستان) از نظر حجم و ترکیب اعضاء، سبک فعالیت، فضای مباحثه و موضوعات مورد بحث با هم متفاوت بودند، اما از آنجا که در همه آنها، بحث و گفت‌وگو میان افراد خصوصی صورت می‌گرفت، ویژگی‌های نهادی مشترکی با هم داشتند. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. همه شرکت‌کنندگان در بحث، برابر و هم‌شان تلقی می‌شدند؛
۲. مباحث بر موضوعاتی که برای اغلب افراد جامعه مورد پرسش بود، صورت می‌گرفت؛
۳. تمام افراد جامعه مجاز به شرکت در مباحث حوزه عمومی بودند (لافی، ۲۰۰۷: ۴۹).

### ابزارهای حوزه عمومی

به اعتقادها بر ماس، در صورت گسترش تعداد افراد یا اشخاصی که حوزه عمومی یا اجتماعی را تشکیل می‌دهند، به عبارت دیگر در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، ارتباط و مفاهمه میان آنان، مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و تاثیرگذاری است. زیرا با توجه به گستردگی حوزه عمومی و افزایش تعداد افراد خصوصی که در کنار هم گرد آمده و با تشکیل اجتماع، عرصه فعالیت‌های عمومی را با جدیت و کارآیی بیشتری دنبال نمایند، در آن صورت اصلی‌ترین و اساسی‌ترین چیزی که به آن نیاز دارند، گسترش و پراکنش مفاهمه در میان آنان است، به گونه‌ای که میزان تاثیرگذاری و نفوذ ارتباطات و مفاهمه در میان آنان به نحو احسن افزایش یافته و در تمامی خلل و فرج یا بسترهای حوزه یاد شده نفوذ نماید. اما خود این گسترش و پراکنش ارتباطات نیز مستلزم وجود ابزار، امکانات و دستگاه‌ها یا جهاز خاصی است که در هر زمان با توجه به رشد و پیشرفت علوم و تکنولوژی بشری متفاوت خواهد بود. امروزه با توجه به گسترش و رشد عظیم تکنولوژی و علم، ابزار و امکانات پراکنش ارتباطات نیز گسترش یافته‌اند که از جمله این ابزار می‌توان به روزنامه‌ها، نشریات، رادیو، تلویزیون، سینما، ویدئو، ماهواره‌ها، شبکه‌های اینترنت، به عنوان مهمترین ابزار حوزه عمومی اشاره کرد (نوذری، ۱۳۸۱: ۴۶۷).

## دو مفهوم اساسی در تقریرها بر ماس از حوزه عمومی

### کنش ارتباطی و وضعیت کلامی ایده‌آل

در حوزه عمومی، انسان‌های برابر با اذهانی متفاوت گرد هم می‌آیند تا از طریق گفتگو ساحتی والا از حیات انسانی را بازنمایی کنند. آرنست این ساحت را با مفهوم «کردار انسانی»<sup>۱</sup> مشخص می‌کند که منجر به سیاست اصیل می‌شود و هابرماس آن را با «کنش ارتباطی»<sup>۲</sup> یا «کنش تفاهمی»<sup>۳</sup> تشخیص می‌بخشد که به مفهومی نزدیک به عقیده عمومی منتج می‌شود (پدرام، ۱۳۸۸: ۱۹).

هابرماس در سال ۱۹۸۱ اثر بزرگ خود با عنوان نظریه کنش ارتباطی را در دو جلد به چاپ رساند. او در این اثر به طور مفصل پیرامون کنش ارتباطی بحث نموده و دیدگاه‌های خود را در آن مطرح ساخته است. نقطه نظرات او در این کتاب می‌تواند رجعت و تکمله‌ای برای بحث حوزه عمومی به شمار رود. از نظر هابرماس کنش ارتباطی می‌تواند در سطوح گوناگون شکل گیرد و در جریان هر مکالمه یا گفتگو که طی آن اشخاص در کنار هم جمع می‌شوند تا یک اجتماع<sup>۴</sup> (عموم) را تشکیل دهند، در حقیقت بخشی از حوزه عمومی تشکیل یا ایجاد می‌گردد (نوذری، ۱۳۸۹: ۴۶۶). در کنش ارتباطی مورد نظر هابرماس، شرکت‌کنندگان بر همکاری و همیاری خود می‌افزایند و دیگر، محاسبات خشک ریاضی‌وار و فشار سنت‌های از پیش موجود، در میان نیست؛ بلکه افراد با گفتمان سعی دارند تا راه‌هایی برای توافق برگزینند. این کنش، در ذات خود رهایی‌بخش است چرا که با خود، کنش‌هایی متعالی را همراه دارد. این رهایی در بستر و زمینه‌ای می‌تواند تحقق یابد که در آن خودشناسی از طریق گفتمان امکان‌پذیر باشد؛ گفتمان با کسانی که در تلاشند تا به خودشناسی برسند (علی‌خواه، ۱۳۷۸: ۱۱).

- 
1. Action
  2. Communicative Action
  3. Action Understanding
  4. Public

در کنار کنش ارتباطی، هابرماس بر موقعیتی که آن را وضعیت کلامی ایده‌آل می‌خواند، در شکل‌گیری حوزه عمومی تأکید می‌ورزد. به عبارت دیگر هابرماس گسترش یافته‌ترین و کامل‌ترین حوزه عمومی را وضعیت کلامی ایده‌آل می‌خواند که از لحاظ موازین و هنجارهای گفتگو، ایده‌آل‌ترین شکل ممکن است. وضعیت کلامی ایده‌آل، نکته مهم و اساسی در فرایند ارتباط در حوزه عمومی است که رفتار افراد در جریان مفاهمه در حوزه عمومی، عمدتاً باید بر مبنای کنش‌های کلامی عاری از فشار و سلطه در شرایطی عادلانه، آزادانه، آگاهانه و برابر صورت گیرد. یعنی در درون وضعیتی که هابرماس از آن به «وضعیت کلامی ایده‌آل» یاد می‌کند (نوذری، ۱۳۸۹: ۴۳۹).

و این به این معنی است که گسترش حوزه عمومی در واقع تابع پیدایش امکان گفتگو و تعقل آزاد است. یعنی گسترش عقلانیت مستلزم گسترش توانایی‌های کلامی و ارتباطی است و به همین دلیل هابرماس به مفهوم «وضعیت کلامی ایده‌آل» نظر دارد که در آن توانایی‌های ارتباطی و کلامی لازم برای ایجاد جهانی عقلانی، تحقق می‌یابد.

### عقلانیت ارتباطی

هابرماس در مقابل مفهوم عقلانیت ابزاری فراگیر، اندیشه‌رهایی‌بخش عقل ارتباطی را مطرح می‌کند. گسترش حوزه عقلانیت ارتباطی مستلزم گسترش توانایی‌های ارتباطی و کلامی است. از اینجا هابرماس به مفهوم وضعیت کلامی ایده‌آل می‌رسد، که در آن توانایی‌های ارتباطی و کلامی برای ایجاد جامعه جهانی عقلانی لازم است. در وضعیت کلامی ایده‌آل، توانایی و عقلانیت ارتباطی و تفاهمی به اوج می‌رسد. در واقع، وضعیت کلامی ایده‌آل، پدیده‌ای ساخته ذهن نیست، بلکه در همه روابط گفتاری مندرج است و خود راهنمای تکامل به سوی ارتباط عقلانی است که در آن فرد می‌تواند امکان عمومی شدن علایق خود را دریابد (هولاب، ۱۳۷۸: ۶).

عقلانیت ارتباطی همانند عقلانیت ابزاری آشکار نیست و جنبه ضمنی دارد. هدف این نوع عقلانیت رسیدن به توافق با کنش‌گران دیگر است. هابرماس این نوع عقلانیت را عقلانیت ارتباطی یا تفاهمی می‌نامد.

«عقلانیت ارتباطی به این امر وابسته است که:

الف) آیا فعل گفتاری پذیرفتنی است؟

ب) آیا گوینده دلایلی برای پذیرش به دست می‌دهد؟

ج) آیا او به شیوه‌ای اعتمادپذیر می‌تواند نشان دهد که ادعای اعتبار صورت‌بندی شده او مستدل است؟

بنابراین، میزان موفقیت عقلانیت ارتباطی به فهم‌پذیر بودن گفته، به پذیرش و هم-چنین موفقیت مضمون گفتاری که فعل گفتاری می‌تواند داشته باشد و به این امر بستگی دارد که آیا گفته در آن شرایط قابل توجه است، یعنی می‌توان دلایلی برای اعتبار آن به دست داد (شوتس‌ایشل، ۱۳۹۱: ۳۰۳).

در واقع هابرماس با خلق و بسط مفهوم عقلانیت ارتباطی درصدد تصریح نظریه کنش ارتباطی بر می‌آید که در آن نیروی رهایی‌بخش عقل به استدلال منجر شده و ارتباط و مفاهمه را شکل می‌بخشد. در واقع «مباحثه عقلانی فارغ از سلطه و آسیب‌های زبان شناختی و معطوف به تفاهم بین‌الذهانی و وفاق و اجماع دقیقاً همان نوع عملی است که مناسب حوزه عمومی است» (هولاب، ۱۳۷۸: ۳۱).

### جامعه شبکه‌ای

کستلز در توضیح مفهوم شبکه می‌نویسد: شبکه مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته است. نقطه اتصال یا گره، نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. این که نقطه اتصال چه چیزی است، مشخصاً به نوع شبکه‌های مورد نظر بستگی دارد. شبکه جریان مالی جهانی، از نقاط اتصال بازارهای بورس و مراکز خدمات جانبی پیشرفته آنها تشکیل شده است و... . توپولوژی‌ای که شبکه‌ها تعریف می‌کنند این

نکته را مشخص می‌سازد که اگر دو نقطه اتصال به یک شبکه تعلق داشته باشند، در آن صورت اتصال فاصله (یا شدت و فراوانی تعامل) بین آن دو نقطه (یا جایگاه اجتماعی) کوتاه‌تر (یا فراوان‌تر، یا شدیدتر) از زمانی است که این دو نقطه به یک شبکه تعلق نداشته باشند. از سوی دیگر، در درون یک شبکه خاص، فاصله‌ای میان جریان‌ها وجود ندارد و یا فاصله بین نقاط اتصال یکسان است. بنابراین، فاصله (فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) یک نقطه یا جایگاه از صفر (برای هر یک از گره‌های شبکه) تا بی‌نهایت (برای هر نقطه خارج از شبکه) متغیر است. حضور در شبکه یا حذف از آن و معماری روابط بین شبکه‌ها که توسط تکنولوژی‌های اطلاعات که با سرعت نور عمل می‌کنند، انجام می‌گیرد (کستلز، ۱۳۸۵: ۵۴۴).

شبکه‌ها، ساختارهای باز هستند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را تا زمانی که این نقاط توانایی ارتباطی در شبکه را داشته باشند یعنی مادام که از کدهای ارتباطی مشترک استفاده کنند، در درون خود پذیرا شوند. یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه، سیستم باز و پویایی است که بدون این که توازن آن با تهدیدی روبرو شود، توانایی نوآوری دارد. شبکه‌ها ابزار مناسبی برای فعالیت‌های گوناگون هستند: برای اقتصاد سرمایه‌داری، برای کار، کارگران و شرکت‌ها، برای حکومت‌ها و برای سازمان‌های اجتماعی. از آنجا که شبکه‌ها چندگانه‌اند، کدها و کلیدهایی که بین شبکه‌ها عمل می‌کنند به منابع اصلی شکل‌دهی، هدایت و گمراه ساختن جوامع تبدیل می‌شوند. هم‌گرایی تکامل اجتماعی و تکنولوژی‌های اطلاعات، در سرتاسر ساختار اجتماعی، شالوده مادی جدیدی برای فعالیت‌ها ایجاد کرده‌اند. این شالوده مادی، که در درون شبکه‌ها جای دارد، فرایندهای اجتماعی مسلط را مشخص می‌کند و بدین ترتیب، ساختار اجتماعی را شکل می‌دهد (همان: ۵۴۴ و ۵۴۵). البته کستلز به رسانه‌های نوین، نگاهی ساختاری دارد و معتقد است تکنولوژی به تنهایی قادر نیست تغییر سیاسی ایجاد کند یا نابرابری را کاهش دهد؛ بلکه شبکه‌های نوین رسانه‌ای این فرصت را در اختیار شهروندان می‌گذارند تا با استفاده از پتانسیل شبکه‌بندی با قدرت تعاملی بسیار



بالا، شبکه‌های گوناگون را حول ارزش‌ها و علاقه‌مندی خود مجدداً برنامه‌ریزی کنند که به سادگی از سوی شرکت‌های رسانه‌ای و دولت‌ها سرازیر نشوند. از دیدگاه تئوری ساختاربندی، این بدان معناست که شهروندان می‌توانند از منابع رسانه‌های نوین، شبکه‌ها و اشکال جدید تعامل و همکاری استفاده کنند تا ساختارهای جدید اجتماعی ایجاد کنند. شبکه‌های نوین رسانه‌ای، استقلال اقتصادی-سیاسی بیشتری برای شهروندان فراهم می‌کنند؛ زیرا آنها می‌توانند محتوای سیاسی را تولید، منتشر و دریافت کنند (هکر و مورگان، ۲۰۱۱: ۱۰۳).

اهمیت مفهوم تعامل میان شهروندان در جوامع شبکه‌ای شده امروزی را می‌توان در توضیحات کستلز یافت. کستلز با معرفی مفهوم نقاط اتصال یا گره‌ها<sup>۱</sup>، آنها را بر جامعه تاثیرگذار می‌داند و برایشان نقش قابل توجهی در تغییرات اجتماعی قائل است. وی در این رابطه می‌نویسد: شبکه‌ها، دارای نقاط اتصال (گره‌ها) هستند. این نقاط، از طریق ارتباط به هم می‌پیوندند تا شبکه‌های موثری باشند. وقتی که یک نقطه اتصال نتواند به نقطه دیگری متصل شود، از شبکه حذف می‌گردد. چنین نقاطی از اعمال نفوذ بر سازمان‌های اجتماعی کنار گذاشته می‌شوند. اما آن دسته از نقاطی که بخشی از شبکه هستند و تاثیرشان را بر جامعه اعمال می‌کنند، می‌توانند با استفاده از ایجاد تغییرات در الگوهای موجود ساختارهای اجتماعی، یا با تقویت آنها، تاثیر خود را افزایش دهند. کستلز معتقد است کارکرد و معنی نقطه اتصال در یک شبکه، به برنامه‌های شبکه و تعامل آن نقطه با سایر نقاط بستگی دارد. اعضای یک شبکه (نقاط اتصال یا گره‌ها) که بیشترین ارزش را دارند و یا قدرت یافته‌اند، در حقیقت آنهایی هستند که بیشترین کمک را به شبکه می‌کنند تا به اهداف خود دست یابد. بالعکس، اعضای که برای رسیدن شبکه به اهدافش قادر به کمک نیستند، حذف می‌شوند و یا با اعضای دیگری جایگزین می‌گردند (کستلز، ۲۰۰۹: ۴۳۸).

کستلز اظهار می‌دارد که اعضای با ارزش شبکه‌ها نه تنها دارای مجموعه‌ای از مهارت‌ها هستند، بلکه در سروکار داشتن با اطلاعات و دانش، خلاقیت دارند و بدین صورت، کمک‌هایشان به شبکه را ارزشمندتر و ضروری می‌سازند. قدرت شبکه‌بندی، متضمن وارد کردن اعضای ارزشمندتر بیشتری به شبکه و جلوگیری از ورود اعضای است که برای شبکه هیچ سودی ندارند. کستلز خاطر نشان می‌سازد که هزینه حذف شدن از شبکه، از مزایای پیوستن به آن بیشتر است؛ چرا که ارزش نقاط اتصال به صورت تصاعدی با بزرگ شدن اندازه حجم یک شبکه افزایش می‌یابد (همان: ۴۳۹).

### پیشینه پژوهش

دیپلماسی شهروندی، مفهوم نسبتاً جدیدی است که تحقیقات و مطالعات انجام شده در این حوزه راجع به بررسی فعالیت‌ها و برنامه‌هایی است که در سطح بین‌المللی و میان شهروندان کشورهای گوناگون برگزار می‌گردد. مراکز و مؤسسات فعال در حوزه دیپلماسی شهروندی از جمله مرکز دیپلماسی شهروندی ایالات متحده آمریکا<sup>۱</sup>، انجمن ملی بازدیدکنندگان بین‌المللی<sup>۲</sup> و انجمن دیپلماسی شهروندی یوتا<sup>۳</sup>، برنامه‌های زیادی را در حوزه دیپلماسی شهروندی به اجرا درآورده‌اند که شرحی از اهداف، کارکردها و سایر اطلاعات مربوطه به آنها را در اختیار مخاطبان خود می‌گذارند.

در گزارشی که در سال ۲۰۱۱، توسط موسسه ملی آموزش منتشر شد، اهم مطالعات و تحقیقات انجام شده در حوزه دیپلماسی شهروندی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. در این گزارش، روش انجام این تحقیقات و همچنین نتایج بدست آمده، ارائه شده است. آنچه که در ارزیابی فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی در حال حاضر مطرح است، نتایج مربوط به تعداد شرکت‌کنندگان و یا میزان رضایت‌مندی آنها از

- 
1. U.S Center for Citizen Diplomacy
  2. National Council of International Visitor (NCIV)
  3. Utah Council for Citizen Diplomacy (UCCD)

برنامه‌هاست. این در حالی است که دیپلماسی شهروندی تاثیرات قابل توجه زیادی بر سازمان‌ها و جوامع دارد؛ اما اندازه‌گیری چنین تاثیراتی به دلیل ماهیت طولی آنها به سادگی امکان‌پذیر نیست و به سال‌ها زمان نیاز دارد تا نتیجه تاثیرات آشکار گردد. همچنین فقدان روش‌های استاندارد اندازه‌گیری، مشکل دیگری در بررسی برنامه‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی است. با توجه به تعدد و تنوع برنامه‌های دیپلماسی شهروندی، ارزیابی همه برنامه‌ها با یک نوع ابزار غیرممکن خواهد بود. پس به دلیل تفاوت‌های قابل توجه میان اهداف، رویکردها و روش‌های انجام برنامه‌های دیپلماسی شهروندی، تعدادی از اطلاعات گردآوری شده در این زمینه، قابل تعمیم نیستند. به هر حال تحقیقات زیادی وجود دارد که فعالیت‌های شهروندان را در حوزه‌های گوناگون به ویژه در ارتباط با مسائل سیاسی در فضای مجازی مورد بررسی قرار داده‌اند. فضای سایبر، فضایی را فراهم آورده است که مردم در آن می‌توانند با هم، در حوزه‌های گوناگونی از جمله سیاست، به تبادل نظر بپردازند. از طریق تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، مردم می‌توانند در گروه‌های مورد علاقه خود عضو شوند، در انتخابات رای دهند یا در فروم‌های سیاسی مشارکت کنند. در ادامه، تعدادی از این تحقیقات مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

«ریچارد دیویس»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۹، با بررسی گروه‌های خبری «یوزنت»، معیاری را پایه‌گذاری کرد که با استفاده از آن بتوان کیفیت فعالیت‌های سیاسی آنلاین مورد بررسی قرار داد. وی برای انجام پژوهش خود چهار سوال مطرح نمود تا مباحث سیاسی در شبکه‌های ارتباطی جدید توسط مشارکت‌کنندگان در فروم‌های خبری را بررسی کند؛ دیویس برای انجام این کار از روش تحلیل محتوا استفاده نمود. موضوع سوالات مورد بررسی در تحقیق به ترتیب عبارتند از: جستجوی اطلاعات، تبادل عقاید و دیدگاه‌ها، تجانس و عقلانیت. برای انجام تحلیل محتوا، شاخص‌هایی برای عملیاتی کردن

---

1. Richard Davis  
2. Usenet

اندازه‌گیری متغیرهای هر کدام از سوالات تعیین گردید. جمعاً هشت شاخص برای بررسی، طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌ها در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. (ویلهم، ۲۰۰۰: ۸۷)

سوال اول با هدف بررسی این مسئله که تا چه حد مشارکت در بحث‌های سیاسی در فضای سایبر، با انگیزه جستجوی اطلاعات است؛ طرح شده بود. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل محتوا، حجم پیام‌های سیاسی ارائه شده، متونی کوتاه با کمتر از صد کلمه است که اغلب در آنها اطلاعاتی به سایر مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود. در حقیقت از هر چهار مطلب ارسال شده به گروه‌های خبری، سه مطلب اختصاصاً به «ارائه اطلاعات» به گروه‌های خبری اختصاص دارد. سوال دوم راجع به این است که آیا مشارکت‌کنندگان در فروم‌های سیاسی، در جستجوی خود برای کسب اطلاعات، به دیدگاه‌های دیگران هم توجهی نشان می‌دهند و آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند؟ بر اساس نتایج این تحقیق، مشارکت‌کنندگان، کمتر به دیدگاه‌ها و عقاید دیگران پاسخ می‌دهند. از مجموع پیام‌های بررسی شده، کمتر از یک پنجم آنها، شامل پاسخگویی مستقیم به نظرات دیگران است؛ اما در حدود نیمی از پیام‌ها، شامل عقاید و دیدگاه‌های شهروندانی و یا صاحب نظرانی است که در بحث مشارکت ندارند و جزء مشارکت‌کنندگان حاضر در فروم نیستند. نتایج به دست آمده راجع به تجانس گروهی مربوط به سوال سوم، حاکی از آن است که افراد اغلب در جستجوی کسانی هستند که با آنها موافق باشند. بر همین اساس نتایج این تحقیق نیز حاکی از آن است که ۷۰ درصد پیام‌های ارسالی، با یکدیگر مشابه بوده که نشان‌دهنده حمایت قوی یا متوسط از وضعیت غالب راجع به یک بحث سیاسی و یا کاندیدای سیاسی است. سرانجام سوال آخر به جنبه انتقادی-عقلایی مباحث سیاسی گروه‌های خبری مربوط می‌شود. در این سوال، این مسئله مورد بررسی قرار گرفته که تا چه حد پیام‌های سیاسی آنلاین به مفهوم عقلانیت‌هابرماس گرایش دارند. بر اساس نتایج به دست آمده، سه چهارم پیام‌های ارسالی به فروم‌ها، برای توجیه محتوای مطالب‌شان از دلایل گوناگون استفاده کرده‌اند؛ اما در سایر پیام‌ها از هیچ‌گونه استدلال منطقی استفاده

نشده بود. هابرماس (۱۹۹۶) عقیده دارد، جامعه مدنی برای مفصل‌بندی یا تولید مسایل سیاسی مانند یک عامل انتشار عقاید عمل می‌کند. بنابراین آن دسته از افرادی که در فضای مجازی به بحث راجع به مسایل سیاسی می‌پردازند، می‌توانند توجه به مشکلات را افزایش داده و روش‌های ابراز آنها را تولید کنند. البته فروم‌های سیاسی باید مبتنی بر تعامل و مشاوره باشند؛ چرا که پیام‌های جایگزین باید مبادله یا تغییر یابند. برای این که موضوعات سیاسی که در جامعه مدنی گسترش پیدا می‌کنند، باید به موضوعاتی برای کنش جمعی تبدیل شوند. اما همچنان این برای تحقیقات تجربی بعدی باقی است که تا چه حد ابزارهای انتشار عقاید مجازی در تقویت تعامل در فضای عمومی موثر و یا سودمنداند. در نتیجه، شرایط مناسب برای تقویت تعامل چیست تا که این ابزارها (فروم‌ها) بتوانند به طور موثرتری بر فرآیند سیاسی تاثیر بگذارند (ویلهم، ۲۰۰۰: ۹۰-۸۸).

«هوارد رینگولد»<sup>۱</sup> یکی از نخستین و معروف‌ترین پژوهشگرانی است که در طی یک دهه اخیر و در اوایل دهه ۹۰ میلادی در نخستین مراحل جهانی شدن شبکه اینترنت به بررسی تأثیرات این شبکه بر زندگی اجتماعی پرداخته است. رینگولد که از سال ۱۹۸۵ به عنوان عضو یک «جماعت مجازی» به برقراری ارتباط روزمره با دیگر اعضای شبکه از طریق «کنفرانس از راه دور»، پست الکترونیک و گروه‌های خبری ویژه می-پرداخت؛ نتیجه تجربیات خود را در تدوین نظریه‌ای درباره تأثیرات شبکه اینترنت در تقویت و تحکیم دموکراسی و ایجاد اشکال جدیدی از مشارکت سیاسی شهروندان در یک «حوزه عمومی مجازی»<sup>۲</sup> به کار گرفت. ایده اصلی کتاب رینگولد که به صورت الکترونیک هم منتشر شده، این است که اینترنت شاید عصر جدیدی از دموکراسی مشارکتی و شورایی را در مقام حوزه عمومی سیاسی پدید آورد. وی معتقد است که جماعت‌های مجازی در حال رشد در اینترنت می‌توانند به شهروندان در احیای ابعاد از

---

1. Howard Rheingold, 1993  
2. Virtual Public Sphere

دست رفته دموکراسی و ایفای نقش جدی‌تر مردم در فرآیند سیاسی کمک کنند. دموکراسی نوین مشارکتی که رینگولد بدان اشاره می‌کند، صورتی از دموکراسی است که برخی آن را آرمان‌شهری خوانده و به آن «آتن بدون بردگان» لقب داده‌اند. دولت‌شهر آتنی مدرن به شکل یک جماعت مجازی در اینترنت ظاهر می‌شود. این شبکه نقش «آگورا»<sup>۱</sup> آتنی را عهده می‌گیرد که در درون آن شهروندان آزاد به مباحثه درباره امور عمومی می‌پردازند. رینگولد در کتاب خود ضمن طرح دیدگاه‌های گوناگون درباره انواع تأثیرات متقابل ارتباطات رایانه‌ای و سیاست دموکراتیک با کاربرد مدل حوزه عمومی هابرماس بی‌آنکه روش‌شناسی دقیقی در کار باشد، چنین نتیجه می‌گیرد که فن-آوری نوین ارتباطی در صورتی که به درستی از جانب شهروندان شناخته و به کار برده شود، دارای پتانسیل دموکراتیک زیادی است. همان‌طور که رسانه‌های چاپی قرون گذشته در روند مردم‌سالاری نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند (رینگولد، ۱۹۹۳: ۷).

«آلینتا تورنتون»<sup>۲</sup> یکی دیگر از پژوهشگران در زمینه ارتباطات سیاسی است که در بررسی خود با بهره‌گیری از مفهوم حوزه عمومی درصدد پاسخگویی به این پرسش برآمده که: آیا اینترنت دموکراسی می‌آفریند؟ تورنتون همچون رینگولد از مدل نظری هابرماس و تبیین وی از ایده حوزه عمومی استفاده کرده ولی اساس کار خود را نقد و بررسی دیدگاه‌ها و نتایج تحلیل وی قرار داده است. در واقع تورنتون در این که مدل حوزه عمومی در تحلیل و تبیین ارتباطات سیاسی اینترنت مناسب است تردیدی ندارد؛ ولی می‌کوشد تا مفهوم هابرماسی حوزه عمومی را با افزودن ابعاد انتقادی نظریه‌های بعد از هابرماس در باب حوزه عمومی تکمیل نماید؛ زیرا به نظر وی تبیین خاص هابرماس از حوزه عمومی در بررسی ارتباطات سیاسی در اینترنت به اندازه کافی کارایی ندارد (تورنتون، ۱۹۹۶: ۹). با آن که تورنتون برخی از نتیجه‌گیری‌های رینگولد را درباره تأثیرات دموکراتیک اینترنت نمی‌پذیرد، ولی ضمن پذیرش مبانی آن، بحث خود را

---

1. Agora

2. Alinta Tornton, 1996

از سطح نقد این نتایج فراتر می‌برد. وی پس از بررسی دستاوردهای مطالعات تجربی خود درباره نحوه و انواع شیوه‌های برقراری ارتباط در اینترنت اظهار می‌دارد که این شبکه فرصت‌هایی هر چند محدود برای احیای حوزه عمومی دارد. به نظر تورنتون این فرصت‌های تازه، محدود به گروه‌های برگزیده و برخوردار اجتماعی است، ولی حداقل افزایشی در فعالیت‌های مشابه حوزه عمومی در اینترنت قابل مشاهده است. او تأکید می‌کند که اگر کاربردهای اینترنت به گروه‌های اجتماعی حاشیه‌نشین، کم‌درآمد و زنان نیز تسری یابد، آن‌گاه می‌توان گفت که این شبکه امکانی واقعی برای مشارکت وسیع‌تر شهروندی، ارتباطات سیاسی موثر و احیای واقعی حوزه عمومی پدید آورده است (همان، ۸۶).

سید مسعود سیدعلوی، در سال ۱۳۹۰، از رساله دکتری خود با عنوان «حوزه عمومی در فضای مجازی» در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع کرده است. هدف اصلی این پژوهش آن است که روشن نماید آیا از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران حوزه عمومی در فضای مجازی تشکیل شده است؟ و آیا وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به عنوان مصادیق حوزه عمومی مجازی در نظر گرفت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی دانشگاه‌های کشور، سه متغیر مستقل حوزه عمومی: دسترسی عام (دسترسی به اطلاعات برای عموم)، گفتگوی عام (گفتگوی همگانی عقلانی-انتقادی) و کنش عام (عمل جمعی سیاسی)، در فضای مجازی شکل گرفته است و وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی از مصادیق حوزه عمومی در فضای مجازی هستند. از سوی دیگر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر کارشناسان علوم سیاسی و علوم ارتباطات با وجود آنکه معتقدند فضای گفتگوهای سیاسی در اینترنت عقلانی نیست و رسیدن به توافق درباره مسائل سیاسی دشوار است؛ اما ایجاد حوزه عمومی مجازی را در توسعه مردم‌سالاری موثر می‌دانند. این مسئله از سویی می‌تواند نشان دهنده آن باشد که پاسخگویان، تکرر آنرا در حوزه عمومی را از الزامات مردم‌سالاری می‌دانند و از سوی

دیگر می‌توان امیدوار بود که با عقلانی شدن بحث‌ها در فضای مجازی امکان توافق درباره مسائل سیاسی بیشتر شود (سیدعلوی، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۴۲).

### چارچوب نظری پژوهش

برای تبیین موضوع مورد پژوهش با توجه به گستردگی ابعاد آن، از نظریات هابرماس (حوزه عمومی) و کستلز (جامعه شبکه‌ای) استفاده گردید. فعالیت شهروندان در فضای مجازی، به ویژه با توجه به شرایط لازم برای تحقق کنش ارتباطی، در این چارچوب جای می‌گیرد. آنچه که در بحث کنش ارتباطی و همچنین حوزه‌های عمومی مجازی توسط هابرماس و سایر محققان این حوزه مطرح گردیده، فعالیت‌های شهروندان در چارچوب دیپلماسی شهروندی و نوع ارتباط آنان با شهروندان سایر کشورها را تبیین می‌نماید.

در دیپلماسی شهروندی، شهروندان کشورهای گوناگون در شرایطی کاملاً مشابه با شرایط حوزه عمومی باید به ایفای نقش پردازند. به گفته هابرماس، حوزه عمومی، فضایی است که در آن افراد در شرایط مساوی با یکدیگر به گفتگو می‌پردازند. آنان از طریق مفاهیم، ارتباط و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی عاری از هر گونه فشار، اضطرار یا اجبار و بر مبنای آزادی و آگاهی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند تا از این طریق بتوانند با اتخاذ مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی، یک اجتماع را تشکیل دهند. شهروندان فعال در دیپلماسی شهروندی عمدتاً افرادی هستند که به منظور تاثیرگذاری بر سیاست خارجی کشور خود و یا سایر کشورها با یکدیگر ارتباط برقرار نموده و مسائل گوناگونی به ویژه مسائل مورد اختلاف را با یکدیگر مورد بحث و گفتگو قرار می‌دهند. رفتار شهروندان در جریان گفتگوها عمدتاً بر مبنای کنش ارتباطی است. شهروندان دیپلمات برای بدست آوردن تفاهم و توافق تنها باید از استدلال منطقی و قانع‌کننده استفاده نمایند. در کنش ارتباطی میان شهروندان کشورهای گوناگون، آنان



سعی می‌کنند از طریق گفتگوی مستدل، راههایی برای رسیدن به توافق و رفع تعارض انتخاب کنند. از سویی بر اساس نظریات کستلز، قدرت در جامعه شبکه‌ای، در بخش‌های گوناگونی توزیع شده است. از آنجا که شهروندان برای انجام فعالیت‌های خود در چارچوب دیپلماسی شهروندی از شبکه‌ها استفاده می‌نمایند، قطعاً می‌توانند در بخشی از قدرت ناشی از شبکه‌ها سهمیم باشند. این قدرت به آنان اجازه می‌دهد تاثیرگذاری بیشتری بر سیاست به ویژه سیاست خارجی داشته باشند.

اعضای فعال در دیپلماسی شهروندی، از طریق رسانه‌های نوین با دیگران در ارتباط هستند. البته علاوه بر رسانه‌های نوین، ارتباط در دیپلماسی شهروندی می‌تواند با استفاده از ابزارهای دیگر و به صورت مستقیم نیز انجام گیرد. اما همان گونه که در مباحث پیشین گفته شد، کارایی و هزینه کمتر ارتباط از طریق رسانه‌های نوین، آنها را به مهمترین ابزار پیشبرد دیپلماسی شهروندی مبدل ساخته است. تعدادی از شهروندان شهروندان زیاد دیگری در اقصی نقاط دنیا در ارتباطند، اما تعدادی دیگر، ممکن است روابط محدودتری داشته باشند. پس بر اساس دیدگاه کستلز، چنین افرادی نقش بیشتری در تامین اهداف دیپلماسی شهروندی دارند. با بهره‌گیری از نظرات کستلز، جامعه شبکه‌ای، مجموعه‌ای از شبکه‌های ارتباطی است که مهمترین ساختارهای سازمانی در یک جامعه را شکل می‌دهند. در جامعه شبکه‌ای تعداد ساختارهای اجتماعی که در نتیجه برقراری ارتباط میان افراد با استفاده از شبکه‌های کامپیوتری به وجود آمده، افزایش یافته است. افراد با استفاده از رسانه‌های نوین، به دنبال اطلاعات، برقراری روابط و شبکه‌ای از تاثیرگذاری‌ها هستند. این فرآیند از کنترل مستقیم دولتی بدور بوده و می‌تواند بر کنش رسمی دولت‌ها نیز تاثیر بگذارد. تولید، انتشار و دریافت اطلاعات (سیاسی) مرتبط با فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی، شهروندان را قادر می‌سازد تا مشارکت بیشتری در سیاست خارجی داشته باشند. آنها اقدامات گوناگونی را در سطح گسترده بسیج می‌کنند و مقامات دولتی را مجبور می‌سازند تا به خواسته‌های‌شان در خصوص بسیاری از مسائل حوزه سیاست خارجی توجه بیشتری داشته باشند. انجام این اقدامات تنها در صورتی

امکان پذیر است که شهروندان در شبکه‌ای از پیوندهای تعاملی، به تعبیر کستلز مانند گره‌هایی به هم متصل شوند تا بتوانند بر جامعه تأثیرگذار بوده و باعث ایجاد تغییرات گردند.

### روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش و نوع مطالعه در سطح توصیفی و تبیینی و از نظر زمانی، مقطعی است. تحقیق پیمایشی، متضمن به کارگیری پرسشنامه در نمونه‌ای از پاسخگویان است. تکنیک گردآوری اطلاعات، پرسشنامه با مجموع ۲۲ سوال، شامل سوالات بسته بود که برخی از آنها با درجه‌بندی پنجگانه لیکرت، بر پیوستاری از خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد تنظیم شده است. از آنجا که برای پاسخ به سوالات از طیف لیکرت استفاده شده، که طیف مجموع نمرات است، امتیاز مجموع نمرات برای دستیابی به میزان فعالیت پاسخگویان محاسبه شده است و به هر یک از گویه‌های مربوط به مولفه‌ها، از خیلی کم تا خیلی زیاد، امتیاز ۱ تا ۵ داده شده است که مجموع نمراتی که هر فرد از گویه‌ها می‌گیرد، نمایانگر میزان فعالیت او بوده است.

برای اطمینان از پاسخگویی درست به سؤالات و تسریع در یافتن افرادی که بتوانند به سوالات پرسشنامه پاسخ دهند، جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌ها و مجتمع‌های آموزشی شهر تهران، در نظر گرفته شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده که طبق فرمول با ۵ درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شده است. روایی صوری پرسشنامه از طریق نظرخواهی از اساتید و صاحب‌نظران حوزه ارتباطات، روابط بین الملل و علوم سیاسی سنجیده شده و سپس پایایی سنجه‌ها با ۰/۸۳۳ مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد. در این پژوهش واحد تحلیل فرد است. از آنجا که داده‌ها در سطح اسمی و رتبه‌ای بودند، از آزمون‌های همبستگی و آزمون کای اسکوئر در تحلیل داده‌ها استفاده شد.

### نمونه و روش نمونه‌گیری

هدف پژوهش علمی، توصیف ماهیت یک جمعیت، یعنی یک گروه، دسته‌ای از افراد مورد بررسی، متغیرها، مفاهیم و یا پدیده‌هاست. در برخی موارد، این کار از طریق تحقیق درباره تمامی یک دسته یا گروه انجام می‌گیرد اما در بسیاری از موقعیت‌ها، کل یک جمعیت را نمی‌توان به علت محدودیت زمانی و مالی بررسی کرد. راهکار معمول در این موارد آن است که نمونه‌ای از جمعیت گرفته شود (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

در این پژوهش برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تلفیقی یا ترکیبی با تکنیک نمونه‌گیری تصادفی ساده و نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد ۱۰ دانشگاه و مجتمع آموزشی از مجموع دانشگاه‌ها و مجتمع‌های آموزشی تهران انتخاب گردید. این دانشگاه‌ها عبارتند از: دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه تهران (پردیس کشاورزی)، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه سوره، دانشگاه برق شهید عباسپور، دانشگاه رجایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (مجتمع ولی-عصر)، مجتمع فنی تهران و خانه شهرسازان ایران. در مرحله بعد، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید. این نوع نمونه‌گیری، یکی از اشکال نمونه‌گیری غیراحتمالی است که در آن انتخاب موارد به عنوان مصداق طبقه یا مقوله‌ای از موارد که مورد علاقه محقق است، صورت می‌گیرد. بر همین اساس، آن دسته از دانشجویانی که عضو شبکه‌های اجتماعی و یا فروم‌های تخصصی هستند، وبلاگ و یا سایت دارند و به طور مستمر، مطالبی را تهیه، تولید و یا با دیگران به اشتراک می‌گذارند، به صورت هدفمند از میان سایر دانشجویان انتخاب شده و مورد سوال قرار گرفته‌اند.

### روایی پرسشنامه

هدف از انجام پیش‌آزمون شناخت محدودیت‌ها و نارسایی‌های پرسشنامه است. بنابراین بعد از تهیه پرسشنامه و قبل از اجرای نهایی، باید هر پرسش و کلیت پرسشنامه را با دقت زیادی ارزیابی کرد. به ارزیابی پرسشنامه، پیش‌آزمون و یا آزمون مقدماتی گفته می‌شود (دواس، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

بدین جهت، پیش‌آزمون پرسشنامه تحقیق، در سه مرحله و برای سه گروه به شرح زیر اجرا شد:

۱ - گروهی از افراد که خصوصیات‌شان مشابه خصوصیات نمونه نهایی است. (پیش‌آزمون مقدماتی)

در این مرحله، پس از تنظیم پیش‌نویس پرسشنامه، پیش‌آزمون مقدماتی با ارائه آن به تعدادی از افراد که خصوصیات‌شان با خصوصیات افراد جامعه آماری تطابق داشت، انجام گرفت. در این مرحله به این افراد گفته شد که محقق در حال تدوین پرسش‌ها بوده و از آنها خواسته شد هر عیب و نقصی که پرسشنامه دارد، از قبیل: عدم درک (ابهام) پرسش‌ها، ناکافی بودن گزینه‌ها، نحوه جمله‌بندی پرسش‌ها و عدم وجود ارتباط منطقی بین سوالات، را در حاشیه پرسشنامه بنویسند. همچنین کلیه واکنش‌های پاسخگویان در مورد هر سوال، شامل مکث و تامل، ابراز ناراحتی، اکراه و امتناع از پاسخگویی مورد توجه قرار گرفته و ثبت گردیده و در بازنگری سوالات پیش‌نویس (پرسشنامه مقدماتی) مورد استفاده قرار گرفت.

۲ - صاحب‌نظران و متخصصانی که نسبت به موضوع مورد تحقیق و همچنین نسبت به تهیه و تنظیم پرسشنامه تسلط کامل دارند.

۳ - تعدادی از پاسخگویان جامعه آماری معادل سه درصد حجم نمونه اصلی. (پیش‌آزمون نهایی)

در این مرحله پرسشنامه در شرایطی کاملاً واقعی و منطبق بر ضوابط، در میان ۷۵ پاسخگو توزیع شد. با استفاده از اطلاعات حاصله از این مرحله، در مورد پرسش‌های پرسشنامه تجدیدنظر به عمل آمد و پرسشنامه هم از نظر ظاهری و هم از نظر محتوایی

مجدداً اصلاح شد و سرانجام آرایش نهایی پرسشنامه به گونه‌ای درآمد که دیگر هیچگونه ابهامی برای پاسخگویان باقی نماند.

### سنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری (پایایی پرسشنامه)

در این پژوهش برای اندازه‌گیری پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش کرونباخ برای محاسبه انسجام درونی ابزار اندازه‌گیری یا مقیاسها به کار می‌رود. مقدار ضریب پایایی به طور معمول بین صفر و یک تغییر می‌کند. ضریب پایایی صفر، معرف عدم پایایی و ضریب پایایی یک، معرف پایایی کامل (دقت کامل ابزار اندازه‌گیری) است. در محاسبه پایایی، چنانچه عدد به دست آمده بزرگتر از ۰/۷۰ باشد، معرف پایا بودن ابزار تحقیق (پرسشنامه) است. همانگونه که در جدول شماره ۱ می‌توان دید ضریب آلفای کرونباخ برای تعداد ۱۶ سوال مربوط به متغیر وابسته برابر با ۰/۹۹۳. یعنی قابل قبول می‌باشد.

جدول ۱- مقدار ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
فعالیت شهروندان در چارچوب دیپلماسی شهروندی	۱۶	۰/۹۹۳

### تعاریف نظری و عملی متغیرها

تعاریف نظری را معمولاً در دایره‌المعارف‌ها یا ادبیات موجود در هر حوزه می‌توان دنبال کرد. ضرورت این امر در روشن ساختن فضا و پوشش معنایی یا صفات اصلی یک مفهوم برای تفکیک آن از مفاهیم مشابه نهفته است.

#### متغیر وابسته

در این تحقیق، متغیر وابسته عبارت است از فعالیت شهروندان در چارچوب دیپلماسی شهروندی در فضای مجازی و متغیرهای جنس، سن و تحصیلات به عنوان متغیرهای مستقل به کار رفته‌اند تا تاثیر آنها بر فعالیت شهروندان مورد بررسی قرار گیرد. متغیر وابسته: میزان فعالیت شهروندان در چارچوب دیپلماسی شهروندی در فضای

#### مجازی

تعریف نظری متغیر وابسته: شهروندان دیپلمات اغلب مردمانی عادی‌اند که به ویژه در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و فعالیت‌های بشردوستانه، مشارکت نموده و برنامه‌های گوناگونی را به انجام می‌رسانند. فعالیتهای آنان عمدتاً در موارد زیر خلاصه می‌گردد.

با سعه‌صدر و با ذهنی باز به دیگران گوش فرا دهند.

تاریخ، فرهنگ و روش‌های گوناگون زندگی و تفکر دیگران را یاد بگیرند.

به دیدگاه‌ها و نظرات دیگران احترام بگذارند.

کشورها و مکان‌های گوناگون دنیا را با دقت و گشودگی مورد کاوش و بررسی

قرار دهند.

برای درک مردم گوناگون سراسر دنیا و سروکار داشتن با آنان فعالانه وارد عمل

شوند.

مشتاقانه تمایل داشته باشند در جامعه جهانی تغییرات مثبت ایجاد کنند (برگرفته از

سایت مرکز دیپلماسی شهروندی، ۲۰۱۲).

تعریف عملی متغیر وابسته: برای بررسی فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان

تهرانی در خصوص میزان برقراری ارتباط با شهروندان سایر کشورها در چارچوب

دیپلماسی شهروندی، با توجه به ادبیات موضوع و تعاریف موجود از این مفهوم، چهار شاخص برای این متغیر در نظر گرفته شد که هر کدام نیز دارای چهار مولفه می‌باشد. هر کدام از مولفه‌ها به طور جداگانه در یک سوال پرسشنامه به کار رفته‌اند. در جدول شماره ۲، شاخص‌ها و مولفه‌های به کار رفته در سوالات پرسشنامه ارائه شده است.

برای کمی کردن میزان فعالیت دانشجویان در چارچوب دیپلماسی شهروندی از طیف لیکرت استفاده شده است. طیف لیکرت در سطح رتبه‌ای و شامل سوالاتی با نمره-گذاری مستقیم سنجیده شده است. به این ترتیب که بیشترین امتیاز (۸۰) به کسی تعلق می‌گیرد که بیشترین میزان فعالیت در چارچوب دیپلماسی شهروندی را داشته باشد و کمترین امتیاز (۱۶) به کسی تعلق می‌گیرد که کمترین فعالیت در چارچوب دیپلماسی شهروندی را داشته باشد. بر همین اساس امتیاز پاسخگویان به سه رده کم، متوسط و زیاد تقسیم شده است به طوریکه امتیاز ۱۶-۳۷، حاکی از میزان فعالیت کم، امتیاز ۳۸-۵۸، حاکی از میزان فعالیت متوسط و امتیاز ۵۹-۸۰، حاکی از میزان فعالیت زیاد پاسخگویان در چارچوب دیپلماسی شهروندی است. ادغام پنج گویه درجه‌بندی پنجگانه لیکرت در سه رده کم، متوسط و زیاد، از آن جهت صورت گرفته که در محاسبه مقدار خنثی دو فراوانی مورد انتظار از ۲۵ درصد تعداد خانه‌های خالی بیشتر نباشد.

### متغیرهای مستقل

جنس: جنسیت پاسخگویان در دو گویه زن و مرد مورد سوال قرار گرفته است.

سن: متغیر سن در این تحقیق شامل چهار گویه: ۲۵ سال و کمتر، ۲۶ الی ۳۰، ۳۱ الی ۳۵، ۳۶ سال و بالاتر است.

تحصیلات: تحصیلات پاسخگویان در چهار گویه «کاردانی و دانشجوی کاردانی»، «کارشناسی و دانشجوی کارشناسی»، «کارشناسی ارشد و دانشجوی کارشناسی ارشد»، «دکتری و دانشجوی دکتری» طبقه‌بندی شده است.

جدول ۲- شاخص‌ها و مولفه‌های متغیر وابسته

متغیر اصلی	شاخص‌ها	مولفه‌ها
	ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور ایران	ایجاد تغییرات مثبت در دیدگاه‌ها و نظرات شهروندان سایر کشورها نسبت به ایران
		پاسخگویی به سوالات و رفع سوتفاهمات ایجاد شده برای شهروندان سایر کشورها نسبت به ایران
		ارائه تصویری مثبت و مطلوب از ایران و فرهنگ ایرانی
		تولید و اشاعه اطلاعات صحیح و معتبر راجع به ایران
فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهرندی	مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات	ارائه راه‌حل برای حل تعارضات
		اهتمام به مسائل جهانی بین‌المللی از جمله محیط‌زیست و حقوق بشر
		حمایت و پشتیبانی از جنبش‌های جهانی آنلاین در زمینه فعالیت‌های بشردوستانه
		رفع تبعیض، مبارزه با ظلم و خشونت، فقرزدایی
حسن تفاهم و دست‌یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک	شناسخت دیدگاه‌ها و نظرات شهروندان سایر کشورها	ایجاد رابطه دوستانه توام با احترام متقابل و درک شهروندان سایر کشورها
		شناخت دیدگاه‌ها و نظرات شهروندان سایر کشورها
		آشنایی با فرهنگ و روش‌های گوناگون زندگی در سایر کشورها
		معرفی فرهنگ ایرانی به شهروندان سایر کشورها



استفاده از دوره‌های آموزش آنلاین	تبادل و تسهیم اطلاعات
استفاده از اطلاعات ارائه شده بر روی وب (در قالب‌های گوناگون متن، عکس و یا فیلم)	
به اشتراک‌گذاری اطلاعات (در قالب متن، عکس، و فیلم)	
مشارکت در گفتگوهای آنلاین و ارائه دیدگاه‌ها و نظرات راجع به مسائل گوناگون	

### یافته‌های پژوهش

پس از بررسی ۳۸۴ پرسشنامه، مشخص گردید که تعداد ۱۹۸ نفر (۵۱/۶ درصد) از پاسخگویان را مردان و تعداد ۱۸۶ نفر (۴۸/۴ درصد) از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین تعداد ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) از پاسخگویان در سنین «۲۵ سال و کمتر» و تعداد ۱۱۰ نفر (۲۸/۶ درصد) از آنان در سنین «۲۶ الی ۳۰» سال، تعداد ۵۸ نفر (۱۵/۱ درصد) در سنین «۳۱ الی ۳۵ سال» و سرانجام تعداد ۲۴ نفر (۶/۲ درصد) در سنین «۳۶ سال و بیشتر» قرار دارند.

از مجموع ۳۸۴ نفر پاسخگو نیز، ۶۲ نفر (۱۶/۱ درصد) دارای مدرک کاردانی و یا دانشجوی مقطع کاردانی بودند، ۲۰۸ نفر (۵۴/۲ درصد) دارای مدرک کارشناسی و دانشجوی مقطع کارشناسی بوده‌اند، ۹۹ نفر (۲۵/۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و یا دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد و سرانجام ۱۵ نفر (۳/۹ درصد) دارای مدرک دکتری و یا دانشجوی مقطع دکتری بوده‌اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان انجام فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی

#### شهروندی در فضای مجازی

میزان انجام فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی	فراوانی	درصد
--	---------	------

در فضای مجازی توسط پاسخگویان		
۱۸/۰	۶۹	کم
۳۷/۵	۱۴۴	متوسط
۴۴/۵	۱۷۱	زیاد
۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع

### نتایج حاصله در خصوص میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی

#### در چارچوب دییلماسی شهرندی در فضای مجازی

در ارتباط با پاسخگویی به سوال میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در فضای مجازی، شهروندان، به طور کلی فعالیت خود را در چارچوب دییلماسی شهرندی، «زیاد» (۴۴/۵ درصد) توصیف کرده‌اند. ۳۷/۵ درصد از آنان فعالیت «متوسط» و سرانجام کمترین نسبت، یعنی ۱۸ درصد نیز در این ارتباط، فعالیت «کمی» دارند.

از جمله مسائل دارای اهمیت در میان مجموع فعالیت‌های آنان، استفاده از اطلاعات ارائه شده در وب است، بر اساس پاسخ‌های پاسخگویان، تعداد ۳۱۵ نفر، یعنی ۸۲/۱ درصد از آنان، زیاد از اطلاعات ارائه شده در وب استفاده می‌کنند. از سویی «استفاده از آموزش‌های آنلاین» و نیز «مشارکت در گفتگوهای آنلاین» از جمله فعالیت‌هایی است که کمتر توسط پاسخگویان مورد انجام قرار گرفته است. به طور مثال، تنها ۲۶/۳ درصد از پاسخگویان در «مشارکت در گفتگوی آنلاین» و ۲۰/۳ درصد از آنان در «استفاده از آموزش‌های آنلاین»، گزینه «زیاد» را انتخاب کرده‌اند. همچنین «ارائه راه‌حل» نیز از جمله مواردی است که کمتر توسط دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در فضای مجازی تجربه شده است به طوری که در حدود نیمی از آنان (۴۷/۷ درصد) در این زمینه فعالیت «کمی» داشته‌اند. از جمله موارد قابل توجه دیگر در این خصوص، اهتمام پاسخگویان

نسبت به ارائه تصویر مثبت و مطلوب از ایران (شاخص اول) است که بیش از نیمی از آنان، فعالیت‌های خود در ارتباط با این مولفه‌ها (چهار سوال اول)، را «زیاد» عنوان کرده‌اند. این در حالی است که در مورد شاخص سوم و چهارم فعالیت در چارچوب دیپلماسی شهروندی یعنی، «مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات» و «تبادل و تسهیم اطلاعات در فضای مجازی»، پاسخ‌ها به طور قابل توجهی در گزینه‌های دیگر توزیع می‌گردد و از تعداد پاسخها به گزینه «زیاد» در خصوص این دو شاخص کاسته می‌شود.

جدول ۴- جدول توزیع فراوانی دیدگاه دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی راجع به نقش

رسانه‌های نوین در انجام فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی

درصد	فراوانی	دیدگاه پاسخگویان درباره به نقش رسانه‌های نوین در انجام فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی
۵/۹۸	۲۳	کم
۲۳/۴۳	۹۰	متوسط
۷۰/۵۷	۲۷۱	زیاد
۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع

بر اساس جدول شماره ۴، از مجموع ۳۸۴ پاسخگو، بیشترین نسبت یعنی ۷۰/۵۷ درصد، تاثیرگذاری فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی بر سیاست خارجی را، «زیاد» دانسته‌اند. ۲۳/۴۳ درصد از آنان، مقدار تاثیرگذاری را «متوسط» دانسته‌اند و سرانجام کمترین نسبت یعنی ۵/۹۸ درصد معتقدند فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی تاثیر «کمی» بر سیاست خارجی دارد.

دپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک ... ۲۴۱

جدول ۵- جدول توزیع فراوانی دیدگاه دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی درباره میزان

تاثیرگذاری فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی بر سیاست خارجی

درصد	فراوانی	دیدگاه پاسخگویان نسبت به تاثیرگذاری فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی بر سیاست خارجی
۷/۸	۳۰	کم
۴۳/۵	۱۶۷	متوسط
۴۸/۷	۱۸۷	زیاد
۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع

توصیف جدول: بر اساس جدول شماره ۵، از مجموع ۳۸۴ پاسخگو، بیشترین نسبت یعنی ۴۸/۷ درصد، تاثیرگذاری فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی بر سیاست خارجی را، «زیاد» دانسته‌اند. ۴۳/۵ درصد از آنان، مقدار تاثیرگذاری را «متوسط» دانسته‌اند و سرانجام کمترین نسبت یعنی ۷/۸ درصد معتقدند که فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی تاثیر «کمی» بر سیاست خارجی دارد.

جدول ۶- جدول توزیع فراوانی دیدگاه دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی نسبت به

موانع برقراری ارتباط میان شهروندان کشورهای گوناگون

درصد	فراوانی	موانع برقراری ارتباط
۲۶/۳۶	۲۲۲	عدم آشنایی با زبانهای بین‌المللی
۲۰	۱۶۹	وجود محدودیت‌های تکنولوژیکی
۲۹/۰۹	۲۴۵	وجود محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی
۲۱/۵۵	۱۸۲	عدم آشنایی با شبکه‌های تسهیل‌کننده ارتباط
۳	۲۵	سایر موارد
۱۰۰	۸۵۲	جمع

توصیف جدول: بر اساس جدول شماره ۶، پاسخگویان معتقدند «محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی» با ۲۹/۰۹ درصد، مهمترین مانع برقراری ارتباط با شهروندان سایر کشورهاست. پس از آن، «عدم آشنایی با زبان‌های بین‌المللی» (۲۶/۳۶) درصد، و «عدم آشنایی با شبکه‌های تسهیل‌کننده ارتباط» (۲۱/۵۵) درصد، در رتبه دوم و سوم قرار دارند و سرانجام کمترین نسبت، به عامل چهارم «وجود محدودیت‌های تکنولوژیکی»، (۲۰ درصد) اختصاص دارد.

جدول ۷- رابطه بین متغیر جنس و میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در

چارچوب دیپلماسی شهروندی در فضای مجازی

جمع	میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی					
	زیاد	متوسط	کم			
۱۸۶	۸۰	۸۵	۲۱	فراوانی	زن	جنس
۱۰۰	۴۳	۴۵/۷	۱۱/۳	درصد سطری		
۴۸/۴	۴۶/۸	۵۹	۳۰/۴	درصد ستونی		
۱۹۸	۹۱	۵۹	۴۸	فراوانی	مرد	
۱۰۰	۴۶	۲۹/۸	۲۴/۲	درصد سطری		
۵۱/۶	۵۳/۲	۴۱	۶۹/۶	درصد ستونی		
۳۸۴	۱۷۱	۱۴۴	۶۹	فراوانی	جمع	
۱۰۰	۴۴/۵	۳۷/۵	۱۸	درصد سطری		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی		

a 0 cells (.0%) have expected count less than 5. The minimum expected count is 33.42.

Chi-Square = 16/134

Sig = 0/000

Df = 2

تفسیر جدول: بر اساس جدول شماره ۷، مقدار آزمون خی دو برابر با  $134/16$  می باشد و با توجه به درجه آزادی  $d.f=2$ ، با قبول خطای  $0/01$  ( $Sig=0/000$ ) و درجه اطمینان  $0/99$  می توان گفت بین میزان فعالیت شهروندان ایرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی و جنس آنها رابطه معناداری وجود دارد.

در توصیف این جدول باید گفت: زنانی که در حوزه دیپلماسی شهروندی، میزان فعالیت «کمی» دارند،  $11/3$  درصد، زنانی که میزان فعالیت شان «متوسط» است،  $45/7$  درصد و زنانی که میزان فعالیت شان در این حوزه «زیاد» است،  $43$  درصد می باشد؛ همچنین مردانی که در حوزه دیپلماسی شهروندی، میزان فعالیت «کمی» دارند،  $24/2$  درصد، مردانی که میزان فعالیت شان «متوسط» است،  $29/8$  درصد و مردانی که میزان فعالیت شان در این حوزه «زیاد» است،  $46$  درصد می باشد.

از سویی، از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «کم» بوده است،  $30/4$  درصد، زن و  $69/6$  درصد، مرد بوده اند. از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «متوسط» بوده است،  $59$  درصد، زن و  $41$  درصد، مرد بوده اند و سرانجام از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «زیاد» بوده است،  $46/8$  درصد، زن و  $53/2$  درصد، مرد بوده اند. در مجموع،  $48/4$  درصد از فعالیت ها در هر سه سطح، مربوط به زنان و  $51/6$  درصد فعالیت ها مربوط به مردان بوده است.

جدول ۸- رابطه بین متغیر سن و میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی در فضای مجازی

جمع	میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی					
	زیاد	متوسط	کم			
۱۹۲	۱۳۱	۶۱	۰	فراوانی	۲۵ سال و کمتر	سن
۱۰۰	۶۸/۲	۳۱/۸	۰	درصد سطری		
۵۰	۷۶/۶	۴۲/۴	۰	درصد ستونی		
۱۱۰	۴۰	۵۴	۱۶	فراوانی	۲۶ الی ۳۰ سال	
۱۰۰	۳۶/۴	۴۹/۱	۱۴/۵	درصد سطری		
۲۸/۶	۲۳/۴	۳۷/۵	۲۳/۲	درصد ستونی		
۵۸	۰	۲۵	۳۳	فراوانی	۳۱ الی ۳۵ سال	
۱۰۰	۰	۴۳/۱	۵۶/۹	درصد سطری		
۱۵/۱	۰	۱۷/۴	۴۷/۸	درصد ستونی		
۲۴	۰	۴	۲۰	فراوانی	۳۶ سال و بیشتر	
۱۰۰	۰	۱۶/۷	۸۳/۳	درصد سطری		
۶/۲	۰	۲/۸	۲۹	درصد ستونی		
۳۸۴	۱۷۱	۱۴۴	۶۹	فراوانی	جمع	
۱۰۰	۴۴/۵	۳۷/۵	۱۸	درصد سطری		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی		

a 1 cells (8.3%) have expected count less than 5. The minimum expected count is 4.31.

Chi-Square = 223/75

Sig = 0/000

Df = 6

تفسیر جدول: بر اساس جدول شماره ۸، مقدار آزمون خی‌دو برابر با ۲۲۳/۷۵

می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $d.f=6$ ، با قبول خطای  $0/01$  ( $Sig=0/000$ ) و درجه

## دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک ... ۲۴۵

اطمینان ۰/۹۹ می‌توان گفت بین میزان فعالیت شهروندان ایرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی و سن آنها رابطه معناداری وجود دارد.

در توصیف این جدول باید گفت: ۵۰ درصد فعالیت‌ها در حوزه دیپلماسی شهروندی متعلق به گروه سنی «۲۵ سال و کمتر»، ۲۸/۶ درصد فعالیت‌های این حوزه، به گروه سنی «۲۶-۳۰ سال» و ۱۵/۱ درصد نیز به گروه سنی «۳۱-۳۵ سال» تعلق دارد. فعالیت گروه سنی ۳۶ سال به بالا، نسبت به سایر گروه‌ها کمتر است (۶/۲ درصد). از سویی، از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «کم» بوده است، بیشترین نسبت، یعنی ۴۷/۸ درصد، مربوط به گروه سنی «۳۱ الی ۳۵ سال»، ۲۹ درصد مربوط به گروه سنی «۳۶ سال و بیشتر» و ۲۳/۲ درصد مربوط به گروه سنی «۲۶ الی ۳۰ سال» می‌باشد. پاسخگویان در گروه سنی «۲۵ سال و کمتر» نیز هیچکدام فعالیت خود در این حوزه را کم ندانسته‌اند. از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «متوسط» بوده است، بیشترین نسبت، یعنی ۴۲/۴ درصد مربوط به گروه سنی «۲۵ سال و کمتر»، ۳۷/۵ درصد مربوط به گروه سنی «۲۶ الی ۳۰ سال»، ۱۷/۴ درصد مربوط به گروه سنی «۳۱ الی ۳۵ سال» و کمترین نسبت، یعنی ۲/۸ درصد مربوط به گروه سنی «۳۶ سال و بیشتر» است. بالاخره از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «زیاد» بوده است، بیشترین نسبت، یعنی ۷۶/۶ درصد، مربوط به گروه سنی «۲۵ سال و کمتر» و ۲۳/۴ درصد، مربوط به گروه سنی «۲۶ الی ۳۰ سال» می‌باشد. پاسخگویان در دو گروه سنی «۳۱ الی ۳۵ سال» و «۳۶ سال و بیشتر»، هیچکدام فعالیت خود در این حوزه را زیاد ندانسته‌اند.



جدول ۹- رابطه بین متغیر تحصیلات و میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی در فضای مجازی

جمع	میزان فعالیت دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی					
	زیاد	متوسط	کم			
۶۲	۳۰	۳۲	۰	فراوانی	کاردانی	تحصیلات
۱۰۰	۴۸/۴	۵۱/۶	۰	درصد سطری		
۱۶/۱	۱۷/۵	۲۲/۲	۰	درصد ستونی		
۲۰۸	۱۳۳	۶۰	۱۵	فراوانی	کارشناسی	
۱۰۰	۶۳/۹	۲۸/۸	۷/۲	درصد سطری		
۵۴/۲	۷۷/۸	۴۱/۷	۲۱/۷	درصد ستونی		
۹۹	۸	۵۲	۳۹	فراوانی	کارشناسی ارشد	
۱۰۰	۸/۱	۵۲/۵	۳۹/۴	درصد سطری		
۲۵/۸	۴/۷	۳۶/۱	۵۶/۵	درصد ستونی		
۱۵	۰	۰	۱۵	فراوانی	دکتری	
۱۰۰	۰	۰	۱۰۰	درصد سطری		
۳/۹	۰	۰	۲۱/۷	درصد ستونی		
۳۸۴	۱۷۱	۱۴۴	۶۹	فراوانی	جمع	
۱۰۰	۴۴/۵	۳۷/۵	۱۸	درصد سطری		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی		

Chi-Square = 185/23

Sig = 0/000

Df = 6

## دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک ... ۲۴۷

تفسیر جدول: بر اساس جدول شماره ۹، مقدار آزمون  $\chi^2$  دو برابر با ۱۸۵/۲۳ می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $d.f=6$ ، با قبول خطای ۰/۰۱ ( $Sig=0/000$ ) و درجه اطمینان ۰/۹۹ می‌توان گفت بین میزان فعالیت شهروندان ایرانی در چارچوب دیپلماسی شهروندی و تحصیلات آنها رابطه معناداری وجود دارد.

در توصیف این جدول باید گفت: دانشجویان و دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی با ۵۴/۲ درصد، بیشترین میزان فعالیت در حوزه دیپلماسی را دارند. پس از این گروه، دانشجویان و دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد (۲۵/۸ درصد) و آنگاه، دانشجویان و دانش‌آموختگان کاردانی (۱۶/۱ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین میزان فعالیت نیز مربوط به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری با ۳/۹ درصد است. از سویی، از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «کم» بوده است، بیشترین نسبت، یعنی ۵۶/۵ درصد، مربوط به گروه تحصیلی «کارشناسی ارشد»، ۲۱/۷ درصد مربوط به گروه تحصیلی «دکتری» و ۲۱/۷ درصد مربوط به گروه تحصیلی «کارشناسی» می‌باشد. پاسخگویان در گروه تحصیلی «کاردانی» نیز هیچکدام فعالیت خود در این حوزه را کم ندانسته‌اند. از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «متوسط» بوده است، بیشترین نسبت، یعنی ۴۱/۷ درصد مربوط به گروه تحصیلی «کارشناسی»، ۳۶/۱ درصد مربوط به گروه تحصیلی «کارشناسی ارشد»، ۲۲/۲ درصد مربوط به گروه تحصیلی «کاردانی» است. سرانجام از مجموع پاسخگویانی که میزان فعالیت آنان در چارچوب دیپلماسی شهروندی «زیاد» بوده است، بیشترین نسبت، یعنی ۷۷/۸ درصد، مربوط به گروه تحصیلی «کارشناسی» و ۱۷/۵ درصد، مربوط به گروه تحصیلی «کاردانی» و ۴/۷ درصد مربوط به گروه تحصیلی «کارشناسی ارشد» می‌باشد. پاسخگویان در گروه تحصیلی «دکتری» هیچکدام فعالیت خود در این حوزه را «متوسط» و یا «زیاد» ندانسته‌اند.

## نتیجه‌گیری

به اعتقاد هابرماس، در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، «ارتباط و مفاهمه میان افراد یا اشخاصی که حوزه عمومی یا اجتماعی را تشکیل می‌دهند، مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و تاثیرگذاری است». زیرا با توجه به گستردگی حوزه عمومی و افزایش تعداد افراد خصوصی که در کنار هم گرد آمده‌اند، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین چیزی که به آن نیاز دارند، گسترش و پراکنش مفاهمه در میان آنان است، به گونه‌ای که میزان تاثیرگذاری و نفوذ ارتباطات و مفاهمه در میان آنان به نحو احسن افزایش یابد. در عصر اطلاعات، شهروندان بدون استفاده از رسانه‌های نوین توان برقراری ارتباط موثر با دیگران را نخواهند داشت. از آنجا که عوامل بسیاری از جمله بعد مسافت، هزینه‌های دیدارها و تجمعات حضوری، زمان، قوانین و مقررات امنیتی و غیره، امکان حضور فیزیکی شهروندان کشورهای گوناگون را در یک مکان امکان‌پذیر نمی‌سازد، رسانه‌های نوین به عنوان مهمترین ابزار دیپلماسی شهروندی اهمیت می‌یابند. دیپلماسی شهروندی از رسانه‌های نوین به عنوان کانال ارتباطی خود بهره می‌برد و به برقراری ارتباط مردم با مردم می‌پردازد. این رسانه‌ها در اختیار تعداد زیادی از شهروندان کشورهای گوناگون می‌باشد که با بهره‌گیری از آن و شرکت در فعالیت‌ها و برنامه‌های گوناگون، دسترسی به اهداف دیپلماسی شهروندی میسر می‌گردد. بنابراین رسانه‌های نوین را می‌توان مهمترین ابزار دیپلماسی شهروندی دانست، به ویژه آن دسته از رسانه‌های نوین که مشارکت و تعامل افراد در فضاهای مجازی را امکان‌پذیر می‌سازند. بدیهی است دیپلماسی شهروندی به مدد استفاده از رسانه‌های نوین که هزینه کمتر و کارایی بیشتری نسبت به سایر انواع رسانه‌ها دارند، می‌تواند جایگاه بهتری در میان انواع دیگر دیپلماسی در قرن بیست و یکم داشته باشد. کستلز نیز عقیده دارد «یکی از ویژگی‌های رسانه‌های نوین، آوردن مردم به صحنه فعالیت‌های سیاسی است»؛ یعنی همان چیزی که با گردهم آمدن مردم در کافه‌ها و گالری‌ها باعث شکل‌گیری حوزه عمومی سنتی در قرن هیجدهم شد. اکنون نیز

شهروندان می‌توانند با بهره‌گیری از چنین امکاناتی، موضوعات سیاسی مورد علاقه خود را دنبال کنند، اقدامات سیاسی معنی‌دار انجام دهند و به منابع جدیدی برای تصمیم‌گیری سیاسی تبدیل شوند؛ آنهم در فضایی که ارزش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر آن از سوی دولت و یا اقلیتی از افراد ارائه نشده، بلکه شهروندان خود در شکل‌گیری و ایجاد آنها نقش داشته‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، نیز ۷۰ درصد از پاسخگویان، به این سوال که رسانه‌های نوین (وبلاگ‌ها، تالارهای گفتگو و شبکه‌های اجتماعی و ...) چه نقشی در دیپلماسی شهروندی دارند، نقش رسانه‌ها را «زیاد» توصیف نموده و معتقدند رسانه‌های نوین برای برقراری ارتباط میان شهروندان کشورهای گوناگون، کم‌هزینه‌تر و کارآمدتر هستند.

شهروندان فعال در دیپلماسی شهروندی، اعضای شبکه‌های شهروندی در یک جامعه شبکه‌ای به شمار می‌روند که هر کدام با اتصال به نقاط دیگر (شهروندان سایر کشورها) از قدرت در شبکه برخوردار می‌شوند. شهروندان در جامعه شبکه‌ای می‌توانند با استفاده از اقدامات سیاسی معنی‌داری که انجام می‌دهند، قدرت بدست آورند. بر همین اساس کستلز قدرت ناشی از متصل شدن به شبکه‌ها را قدرت شبکه‌بندی می‌نامد. مشارکت در شبکه‌ها، به طور فزاینده منافع قابل لمس‌ی برای شهروندان خواهد داشت. به عبارت دیگر، شهروندان می‌توانند با استفاده از رسانه‌های نوین به اشکال جدیدی از تعامل و همکاری دست یابند و ساختارهای جدید سیاسی و اجتماعی به وجود آورند. تولید، انتشار و دریافت اطلاعات (سیاسی)، مرتبط با فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی، شهروندان را قادر می‌سازد تا مشارکت بیشتری در سیاست خارجی داشته باشند. آنها اقدامات گوناگونی را در سطح گسترده بسیج می‌کنند و مقامات دولتی را مجبور می‌سازند به خواسته‌های‌شان در خصوص بسیاری از مسائل حوزه سیاست خارجی توجه بیشتری داشته باشند. این اقدامات به ویژه در ارتباط با مسائلی از جمله حقوق بشر، جنگها و اقدامات نظامی کشورها علیه یکدیگر، محیط‌زیست و غیره در سال‌های اخیر - همانگونه که شرح آن در بخش‌های پیشین رفت - بسیار موثر واقع شده‌اند. انجام این

اقدامات تنها در صورتی امکان‌پذیر است که شهروندان در شبکه‌ای از پیوندهای تعاملی، به تعبیر کستلز مانند گره‌هایی به هم متصل شوند تا بتوانند بر جامعه تأثیرگذار بوده و باعث ایجاد تغییرات گردند. به هر حال دیپلماسی شهروندی، با هر نامی که شناخته شود و هر واژه‌ای که برای اطلاق به آن استفاده گردد، به گونه‌های متفاوتی فضای اقدام در عرصه دیپلماسی رسمی را محدود می‌کند و می‌تواند به آن جهت دهد و این واقعیتی غیر قابل انکار است. بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی دیدگاه پاسخگویان درباره تأثیرگذاری دیپلماسی شهروندی بر سیاست خارجی، بیشترین نسبت پاسخگویان یعنی ۴۸/۷ درصد، معتقدند تأثیرگذاری فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی بر سیاست خارجی، «زیاد» است و تنها ۷/۸ درصد معتقدند فعالیت‌های دیپلماسی شهروندی تأثیر کمی بر سیاست خارجی دارد.

بر اساس نظرات کستلز در خصوص قدرت در جامعه شبکه‌ای، مشارکت در این حوزه می‌تواند دسترسی به قدرت در جامعه اطلاعاتی را برای شهروندان در پی داشته باشد و قدرت آنان ناشی از اقدامات سیاسی معنی‌داری است که در این حوزه انجام می‌دهند. جدا ماندن از شبکه‌ها در جامعه شبکه‌ای، افراد را منزوی‌تر و سلطه‌پذیرتر می‌سازد. شهروندان جامعه شبکه‌ای امروزه می‌توانند با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین، بخشی از قدرت در جوامع شبکه‌ای را از آن خود سازند. آنچه که باعث تمایز کارکردی اساسی میان رسانه‌های جمعی و رسانه‌های نوین به ویژه در ارتباط با انجام فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی می‌گردد، کنترل و دستکاری رسانه‌های جمعی توسط دولت و یا مالکان این صنایع است. هابرماس معتقد است دخالت دولت، حوزه عمومی را تضعیف می‌کند و باعث افول آن می‌گردد. همچنین دخالت دولت در کنترل رسانه‌های نوین نیز (تا آن حد که دولت‌ها قادرند) فعالیت‌های شهروندان در چارچوب دیپلماسی شهروندی را مختل می‌سازد و دسترسی به اهداف مورد نظر آن را ناممکن می‌سازد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، در خصوص محدودیت‌های فعالیت در چارچوب دیپلماسی شهروندی، پاسخگویان معتقدند «محدودیت‌های سیاسی-اجتماعی»، مهمترین مانع

برقراری ارتباط میان شهروندان کشورهای گوناگون است و «عدم آشنایی با زبان‌های بین‌المللی» و «عدم آشنایی با شبکه‌های تسهیل‌کننده ارتباط» از نظر آنان در درجه دوم و سوم اهمیت واقع شده‌اند.

بر اساس نظریات هابرماس در توضیح مفهوم «وضعیت کلامی ایده‌آل»، شهروندان باید بتوانند در فضایی عاری از هر گونه اجبار، فشار و سلطه، به صورت «آزادانه» و «آگاهانه» به انجام فعالیت‌های خود در چارچوب دیپلماسی شهروندی بپردازند. از نظر هابرماس، وضعیت کلامی ایده‌آل تنها می‌تواند در حوزه عمومی یافت شود. به عبارتی دیگر، هابرماس «گسترش یافته‌ترین و کاملترین تجلی حوزه عمومی را در وضعیت کلامی ایده‌آل می‌خواند که از لحاظ شرایط و هنجارهای گفتگو، ایده‌آل‌ترین شکل ممکن است»؛ پس هر گونه کنترل دولتی بر فعالیت‌های شهروندان در چارچوب دیپلماسی شهروندی و یا اعمال هر گونه قوانین و مقرراتی که فعالیت شهروندان در این زمینه را تحت‌تاثیر قرار دهد، وضعیت ایده‌آل کنش ارتباطی میان شهروندان را از بین برده و تحقق حوزه عمومی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چرا که تحقق حوزه عمومی زمانی امکان‌پذیر است که شهروندان بتوانند آزادانه از طریق گردهمایی و تعامل به بحث درباره مسائل روز به ویژه موضوعات سیاسی بپردازند. بر اساس یافته‌های تحقیق، پاسخگویان فعالیت چشمگیری در این حوزه داشته و ویژگی‌های گوناگون ارتباط در فضای مجازی (امکان بازخورد فوری، برقراری ارتباطات گروهی، تسهیل ارتباط میان شهروندان پراکنده در کشورهای گوناگون، توزیع مقادیر زیاد اطلاعات در زمان بسیار کوتاه، ارزانی و کم‌هزینه بودن) آنان را به حضور فعال در این حوزه و در نتیجه تقویت حوزه عمومی تشویق نموده است. این مسئله حاکی از آن است که پاسخگویان با وجود موانع موجود، به شکل‌های گوناگونی با شهروندان سایر کشورها ارتباط برقرار نموده و پیام‌های خود را به آنان می‌رسانند؛ به طور مثال، استفاده از فیلترشکن، از جمله ابزارهای شهروندان برای خروج از محدودیت‌های سیاسی-اجتماعی و حضور در شبکه‌ها و سایت‌های گوناگون طی سال‌های گذشته بوده است. شبکه‌ها و سایت‌هایی که با وجود عضویت بسیاری از

مسئولان، همچنان غیرمجاز می‌باشند. به هر حال، بدیهی است موانع موجود، مانع از انجام فعالیت‌های شهروندی توسط پاسخگویان نبوده است؛ هر چند که آنان در اولویت‌بندی موانع، محدودیت‌های سیاسی-اجتماعی را، مهمترین مانع برای برقراری ارتباط با شهروندان سایر کشورها معرفی کرده‌اند.

هابرماس با طرح مفهوم عقلانیت ارتباطی بیان می‌کند که «نیروی رهایی‌بخش عقل، به استدلال منجر شده و ارتباط و مفاهمه را شکل می‌بخشد». در واقع «مباحثه عقلانی» همان نوع عملی است که مناسب حوزه عمومی است. بنابراین، فعالیت‌های شهروندان در فضای مجازی در چارچوب دیپلماسی شهروندی تنها در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز قلمداد گردد که این فعالیت به صورتی کاملاً عقلایی و در راستای اهداف دیپلماسی شهروندی باشد. شهروندان فعال در دیپلماسی شهروندی ناگزیرند برای برقراری رابطه تعاملی موثر در پیام‌های خود از استدلال استفاده نمایند. جنبه عقلایی-انتقادی از جمله معیارهای موفقیت کنش ارتباطی در فضای مجازی به شمار می‌رود که باعث می‌گردد تعاملات میان شهروندان به طور موثرتری بر فرآیند سیاسی تأثیر بگذارند. به گفته هابرماس، انسان‌ها با شرکت در یک مباحثه است که از دیدگاه‌های هم آگاهی می‌یابند، مباحثات تضمین‌کننده مشارکت برابر و آزاد است؛ برای جستجوی جمعی حقیقت. از منظری دیگر، فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده شهروندان جهت دسترسی به اهداف مورد نظر آنها در چارچوب دیپلماسی شهروندی قطعاً نمی‌تواند عاری از عقلانیت باشد. برای پیش‌برد دیپلماسی شهروندی، شهروندان باید بتوانند مجموعه اقداماتی را با فکر و برنامه‌ای دقیق و روشن در فضای مجازی به انجام رسانند؛ گر چه فعالیت‌های شهروندان تنها به فضای مجازی محدود نمی‌گردد و حتی در فضاهای واقعی نیز می‌توانند جهت یافتن راه‌حل‌های مناسب برای موضوعات مورد نظرشان با یکدیگر دیدار و گفتگو نمایند. انجام این اقدامات به زمان قابل توجهی نیاز دارد و فعالیت‌های کوتاه‌مدت مقطعی نمی‌تواند تأثیرات قابل توجهی بدنبال داشته باشد؛ پس برنامه‌ریزی‌های دقیق برای برقراری ارتباط، تولید محتوای ارتباطی، استفاده از ابزارهای مناسب برای انتشار و ارائه

محتوای تولید شده (اطلاعات) همگی جزء فعالیت‌هایی است که در طولانی مدت و با بذل توجه ویژه به اهداف و نتایج بدست آمده، می‌بایست توسط شهروندان به انجام رسد.

گرچه ممکن است به نظر رسد طرح این مفهوم با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران، به ویژه با وجود شرایط به جامانده از هشت سال گذشته، کمی زود هنگام باشد، اما با روی کار آمدن محمدجواد ظریف و تغییرات به وجود آمده در وزارت امور خارجه و شناختی که وی نسبت به ادبیات دیپلماتیک رایج در جهان و همچنین کاربرد رسانه‌های نوین در این حوزه دارد، روزنه‌امیدی را به وجود آورده است که از این پس، به کارگیری انواع دیپلماسی در سیاست خارجی با جدیت و تخصص بیشتری نسبت به گذشته دنبال شود. دیپلماسی شهروندی گرچه باید از کنترل دولت مصون باشد، اما دولت می‌تواند به عنوان عامل تسهیل‌کننده در این خصوص ایفای نقش نماید، یعنی تسهیلاتی را برای برقراری ارتباط فراهم آورد و ابتکاراتی را نیز به کار بندد؛ البته بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق، دانشجویان و دانش‌آموختگان تهرانی در این زمینه از دولت پیشی گرفته‌اند و به صورت عالمانه و عامدانه و بر اساس حس وطن‌پرستی، فعالیت‌های خود را در حوزه دیپلماسی شهروندی آغاز نموده‌اند. گرچه ممکن است از این که چنین فعالیت‌هایی در چارچوب «دیپلماسی شهروندی» جای می‌گیرد، بی‌خبر بوده باشند. بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق، ۴۴/۵ درصد شهروندان، میزان فعالیت خود را در چارچوب دیپلماسی شهروندی، «زیاد» توصیف کرده‌اند. ۳۷/۵ درصد از آنان فعالیت «متوسط» و سرانجام کمترین نسبت، یعنی ۱۸ درصد نیز در این ارتباط، فعالیت «کمی» دارند. بر اساس جداول خردی، میان زنان و مردان از نظر سطح انجام فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی تفاوت وجود دارد که البته این تفاوت چندان قابل توجه نمی‌نماید. اما دو متغیر مستقل سن و تحصیلات با متغیر وابسته یعنی میزان انجام فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی شهروندی، رابطه داشته‌اند. از آنکه این رابطه معکوس می‌باشد؛ به طوریکه با افزایش سن و تحصیلات، از میزان فعالیت



پاسخگویان در چارچوب دیپلماسی شهروندی کاسته می‌شود. در توجیه این مسئله می‌توان گفت با افزایش سن، احتمال اشتغال، ازدواج و انجام مسئولیت‌های دیگر توسط افراد افزایش یافته و آنان زمان کمتری برای پرداختن به چنین اموری را خواهند داشت. از سویی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی برای افراد در سنین پایین‌تر، جذابیت بیشتری داشته و آنان برای پرداختن به این مسایل از انگیزه، زمان و علاقه بیشتری برخوردار هستند. با نگاهی به جنبش‌های سیاسی در ایران و یا کشورهای دیگر جهان، فعالان این جنبش‌ها، اغلب افرادی بسیار جوان هستند. به تبع افزایش تحصیلات، افزایش سن نیز رخ می‌دهد و به هر حال آثار این دو متغیر از یکدیگر غیر قابل تفکیک است. با افزایش تحصیلات نیز افراد می‌توانند در جایگاه و یا موقعیت‌های بهتری قرار گیرند. دستیابی به جایگاه و موقعیت بهتر، خود می‌تواند مانع از انجام فعالیت‌هایی گردد که به هر دلیل ممکن است جایگاه و موقعیت جدید را به خطر بیندازد؛ ضمن آنکه افرادی که تحصیلات عالی دارند، نسبت به اثرگذاری فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی شهروندان بدبین بوده و همچنان بر این عقیده‌اند که در عرصه روابط بین‌الملل، دولت‌ها فعال می‌شوند. این مسئله تا حدی می‌تواند به آموزه‌های آنان در دوران تحصیل و یا حتی شرایط سیاسی و اجتماعی دهه‌های پیش جامعه برگردد.

الگوی حاکم بر روابط بازیگران در جهان، در قرن گذشته، به طور طبیعی شامل کشمکش سیاسی، درگیری نظامی، برخوردهای امنیتی و جنگ بوده است؛ اما به هر اندازه که تعریف و تامین منافع ملی کشور در چارچوب تفاهم و درک متقابل و به طور مسالمت‌آمیز یعنی از طریق دیپلماسی شهروندی دنبال شود، جهان به صلح نزدیکتر خواهد شد؛ جهانی که در آن الگوی حاکم بر روابط بازیگران، مبتنی بر همکاری و تعامل خواهد بود. انتخاب این مسیر قطعاً نه تنها در سرنوشت یک کشور بلکه بر کل جهان تاثیر خواهد گذاشت.

## منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.
- پدرام، مسعود. (۱۳۸۸). *سپهر عمومی: بررسی اندیشه‌ها آرنه و یورگن هابرماس*، تهران: نشر یادآوران.
- دلاور، علی. (۱۳۸۰). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، (چاپ اول از ویرایش جدید)، تهران: انتشارات رشد.
- سیدعلوی، سید مسعود و سید رضا نقیب‌السادات. (۱۳۹۱). *حوزه عمومی در فضای مجازی. فصلنامه علوم اجتماعی*، ۵۷.
- علیخواه، فردین. (۱۳۷۸). *کنش ارتباطی، بنیاد شکوفایی حوزه عمومی. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۳۹.
- کستلز، مانوئل. (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات «ظهور جامعه شبکه‌ای»*. ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو، جلد اول تا سوم.
- کول، نیکولاس جی. (۱۳۹۱). *نگاهی به مفاهیم و تحول مفهوم دییلماسی عمومی: از نقطه آغاز تا عصر اطلاعات. ماهنامه همشهری دییلماتیک*، ۶۷.
- معتمد نژاد، کاظم. (۱۳۸۹). *ارتباطات بین‌المللی*، جلد یکم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ اول.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۱). *بازخوانی هابرماس*، تهران: نشر چشمه، چاپ اول.
- ویمر، راجر دی؛ جوزف آر دومینیک. (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*. ترجمه: کاووس سید امامی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، چاپ اول.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۸). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*، ترجمه: جمال محمدی، تهران: نشر افکار، چاپ سوم.

- هولاب، رابرت؛ یورگن هابرماس. (۱۳۷۸)، *نقد در حوزه عمومی*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

- Barney، Darin. (2004). *The network society*. Malden، MA: Polity Press.
- Cropf، Robert & William S. Krummenacher. (2011). *Information communication technologies and the virtual public sphere*. New York: Information Science Reference.
- Keane، John. (2000). *Structural transformation of the public sphere*. In Hacker، K.، & van Dijk، J. (Eds.). *Digital Democracy: Issues of Theory and practice*. London، UK: sage.
- Stalder، Felix. (2006). *Manual castells: The theory of the network*. Malden، MA: Polity Press.
- Van Dijk، Jan (2000). *The network society (2nded.)*. London، UK: sage.
- Helliker، Grant. (1990). "*Citizen Power and Foreign Policy*". In Korzenny، Felipe & susan Douglas Ryan. (Eds.). *Communicating for Peace: hope and perspective*. Newbury Park، CA: Sage publication.
- Thornton، Alinta. (1996). "*Does internet create democracy?*". Diss: University of Technology، Sydney، Retrieved from [www.wr.com.au](http://www.wr.com.au)

#### منابع الکترونیکی

- Burgess، Heidi. (2013). *Citizen Diplomacy*. Retrieved June، 2013، from [www.crinfo.org](http://www.crinfo.org)
- Citizen Diplomacy. *In The Free Encyclopedia، Wikipedia*. Retrieved from [www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)

دپلماسی شہروندی و فعالیت دیپلماتیک ... ۲۵۷

- Dawson, Anna. (2011). *The Role of Citizen Diplomacy in India-Pakistan Relations*. Retrieved January, 2012, from [www.indiapublicdiplomacy.com](http://www.indiapublicdiplomacy.com)
- What is Citizen Diplomacy? Retrieved April, 2012, from [www.uscenterforcitizendiplomacy.org](http://www.uscenterforcitizendiplomacy.org)
- What is Citizen Diplomacy? Retrieved August, 2012, from [www.Rochestercitizendiplomacy.org](http://www.Rochestercitizendiplomacy.org)
- www.Humans of New York.com